

سخنرانی بیرک کارمل

در بیست و ششمین جلسه عمومی و دومین جلسه رأی اعتماد

بر حکومت دکتور عبدالظاهر

چارشنبه، 16 سرطان 1350

بازتایپ: ع . ق . فضل



ښاغلی پیرک کارمل وکیل شهر کابل

شهر اهره د پراه ۲۵ جولن

پیرک کارمل وکیل شهر کابل د دولتی جرگه په اماندگي او سازمان سیاسي پر افتخار دموکراتیک خلق افغانستان این پېشاکه

داستین طبقه کارگر کتوره، در میاشته داجه په اعتماد پر حکومت صدراعظم مؤلف د دکتور عبدالظاهر وخط مشی خدمت وده دموکراتیک شان په دفاع از حقوق وحرافیت خلق وپه الهای دشنان خلق میبر دازد خیا نتیا- ظلم ما دستگیری های



پیشادی را که هر مردم مادوا داشته اند بر ملا میسازد و در بر و ساد جرف میولیم

۶۲ سال قبل مشروطه خوانان اول، پرچم مبارزه، داعیه سلطنت مطلقه امیر حبیب الله، علیه دنده گان امیر بالیوز انگلیس و نظم و خشیا نه اختناق پر افراشته شد- آنان انقلابی بودند ریشه شده از فولاد ناب که چسود و بیپایه بپهره مرگه نگر بستند بگر ازین نور ما نان شهید معمه هتیا الهان پردای - قبل از ۱۳۰۴م در برابر امیر غشبناک با منطق گوینده فریاد داد «شکنجه مرگه ما چند لعظه ای بیش نیست ولی محاسبه ملت با عسا شکنجه ایست ایدی»

بگذرد بیا به خاطر تانهاک این شهدای دا آزادی، باردیگر پناه و لجهای عظیم خلق با قدرت های مطلقه حاکم یا حکومتهای جا پردولت افغانستان محاسبه کنیم

آدمان ما این دلاوران آزاده - ۶۲ سال قبل چه بود آنان میوه استند دولت سلطنتی مطلقه دا بدولت مشروطه دیمو کراتیک تبدیل کنند استقلال کشور دا بدست آوردند نفوذ جاسوسان خارجی را از کشور طرد کنند، معاهده و قدرت لکام گسیخته اعضای خانواد سلطنتی، سرداران، دهباریان جا کرمنش، غلام بیگان، مصاحبان و جانیوسان خاین را دودمود سیاست و دولت افغانستان از میان بردارند دموکراسی حکومت قانون را برپای دارند ولی مستبدین و مرتجعین دربار به تحریک مزدوران انگلیس خائفا نه عنوان کرد که مشروطه خواهی و استقلال طلبی شرک و کفر است (قبال بحال عهد و کلا)

(ښاغلی رئیس وکیل صاحب سر موضوع نیاید لطفاً) به این سلاح آزادی پهر امان را وحشیا نه به خون و آتش کشیده نه، درجا ایکه، نان معاهدین

خدا پرست را امانی بود نه که در برابر نظام فاسد دولت از عدل و تقوای صدراعظم، از مقتضیات عصر از آزادی خلقهای مسلمان جداستند و در ملی از روحان، شریف شد، استبداد و استعمار سیاه، دفاع و بیخپیا نی میگردند، در این مناقبین و همال از جناح امپریالیستی پرونده مستند که بالمرهای وحشیا نه بطور کاذب دریا کارانه میان توده های دحمتکش مسلمان تفاق میانه اذنه و ظاهراً به بهانه دفاع از دین اسلام

لیکه در ولایت بشاطر دشمنی علیه آزادی و استقلال، علیه دموکراسی و قرفی - هر انکس دهر آنچه را که وطن پرست و نرینخواه، ندمتگار خلق را انقلابیست پهر حسانه مورد تهمت دودغین قرار داد، دمیهدند چنانچه ابعثت جوان دوره امیرامان الله خان غازی را یو بنام العاده و پیدایش از بین برداشته

(ښاغلی رئیس وکیل صاحب سر موضوع لطفاً گپ بنید وکیل صاحب ماهیگوید سر موضوع بیاید و سرخط مشی گپ بر بند) افغانستان را یک مرحله تاریخی و عقب انداختند و تا حال تکیه گاه هر بر طبقهات حاکم و حکومتهای جفا کار افغانستان را تشکیل دادند دهم اکنون مذبح حانه تلاش میوزند تا آزادی دژمنده انقلابی خلق ما دافج سازند، ولی دیکر این آزادهای بلید را با خود بگور خواهند برد

زیرا دیگر بیره های پیش و خلق ما، مهادان بیشقازد لیر افغان این برجه را ن خلق افغانستان درفش بیگدار خلق داعلی از رطم مشکلات عظیم تر و دود هشت، حبس و زندان، دو مدفوق مقدم مبارزه، علیه تمام جنایات طبقات حاکم علیه اجتماع و امیر باوز، علیه تمام حکومت های دستگیر دولت افغانستان پراغراشته و آتش- بجان دشنان قسم خورده خلق پراغروخته اند

حکومتهای دولت افغانستان بشمول حکومت صدراعظم مؤلف د دکتور عبدالظاهر همه به نایبندگی از طبقات حاکم مرتجع استعمارگر افغانستان (غافلان و کلا، ښاغلی رئیس وکیل صاحب لطفاً سر موضوع گپ بنید- سرخط مشی لطفاً گپ بنید) حلقه های سیاه بک سلسله اند که خلق کشور ما را برنجیر کشیده اند - به پنجت ماد و برابر تمام حکومتهای دولت افغانستان بی اعتباری سریع و قاطع خود را سر صفتا نه اعلام کردیم و بهکم آزادی خلق افغانستان به حکومت شما لیر الهای عید الظاهر دای اعتماد لیدهم - زیر اوضع ملاکتیاد کثو فی کشور ما مبین اینده قیقت الحاد ناب بر است که حکومتهای افغانستان بنا بر ماهیت طبقاتی خود هرگز نمیتوانند مردم را نیکشیده مادا را فقر و ظلمت نجات دهند

شاغلی ببرک کارمل وکیل شهر کابل:

خواهران و برادران هموطن،

ببرک کارمل وکیل شهر کابل در اولسی جرگه به نماینده گی از سازمان سیاسی پر افتخار دموکراتیک خلق افغانستان این پیشاهنگ راستین طبقه کارگر کشور، در مباحثه راجع به اعتماد بر حکومت صدراعظم موظف دوکتور عبدالظاهر و خط مشی ضد ملی و ضد دموکراتیک شان به دفاع از حقوق و شرافت خلق و به افشای دشمنان خلق میپردازد خیانتها- ظلم ها و دستگیری های بیشماری را که بر مردم ما روا داشته اند برملا میسازد.

روبرو و ساده حرف میزنیم:

۶۲ سال قبل مشروطه خواهان اول، پرچم مبارزه را علیه سلطنت مطلقه امیر حبیب الله، علیه درنده گان امپریالیسم انگلیس و نظم وحشیانه اختناق برافراشتند- آنان انقلابیونی بودند ریخته شده از فولاد ناب که جسور و بیباک به چهره مرگ نگریستند یکی از این قهرمانان شهید محمد عثمان خان پروانی- قبل از اعدام در برابر امیر غضبناک با منطق گوینده فریاد زد «شکنجه مرگ ما چند لحظه ای بیش نیست ولی محاسبه ملت با شما شکنجه ایست ابدی».

بگذارید به یاد خاطره تابناک این شهدای راه آزادی، بار دیگر بنام رنجهای عظیم خلق با قدرت های مطلقه حاکم با حکومت های جابر دولت افغانستان محاسبه کنیم:

آرمان های این دلاوران آزاده- ۶۲ سال قبل چه بود؟ آنان میخواستند دولت سلطنتی مطلقه را به دولت مشروطه دموکراتیک تبدیل کنند استقلال کشور را به دست آورند نفوذ جاسوسان خارجی را از کشور طرد کنند، مداخله و قدرت لگام گسیخته اعضای خانواده سلطنتی، سرداران، درباریان چاکر منش، غلام بچگان، مصاحبان و چاپلوسان خائن را در امور سیاست و دولت افغانستان از میان بردارند دموکراسی حکومت قانون را برپای دارند ولی مستبدین و مرتجعین دربار- به تحریک مزدوران انگلیس خائنانه عنوان کرد که مشروطه خواهی و استقلال طلبی شرک و کفر است (غالمغال عده وکلاء)

(بشاغلی رئیس: وکیل صاحب سر موضوع بیابید لطفاً) به این سلاح آزادیخواهان را وحشیانه به خون و آتش کشیدند در حالیکه آنان مجاهدین خدا پرست و با ایمانی بودند که در برابر نظام فاسد دولت از عدل و تقوای صدر اسلام از مقتضیات عصر آزادی خلق های مسلمان تحت استعمار فرنگی از روحانیون شریف ضد استبداد و ضد استعمار دفاع و پشتیبانی میکردند. ولی این منافقین و عمال ارتجاع امپریالیستی بودند و هستند که با نعره های وحشیانه به طور کاذب و ریاکارانه میان توده های زحمتکش

مسلمان نفاق میاندازند و ظاهراً به بهانه دفاع از دین اسلام لیکن در واقعیت به خاطر دشمنی علیه آزادی و استقلال علیه دموکراسی و ترقی- هر آنکس و هر آنچه را که وطن پرست و ترقیخواه، خدمت گار خلق و انقلابیست بیرحمانه مورد تهمت دروغین قرار داده و میدهند چنانچه نهضت جوان دوره امیر امان الله خان غازی را نیز بنام الحاد و بی دینی از بین برداشتند.

(بناغلی رئیس:- وکیل صاحب سر موضوع لطفاً گپ بزیند وکیل صاحب ها می گویند سر موضوع بیابید و سر خط مشی گپ بزیند) افغانستان را یک مرحله تاریخی و عقب انداختند و تا حال تکیه گاه شریک طبقات حاکم و حکومت های جفا کار افغانستان را تشکیل داده اند و هم اکنون مذبحخانه تلاش می کنند تا اراده رزمنده انقلابی خلق ها را فلج سازند ولی دیگر این آرزوهای پلید را با خود به گور خواهند برد!

زیرا دیگر نیروهای پیشرو خلق ما، مبارزان پیشتاز دلیر افغان این پرچمداران خلق افغانستان درفش پیکار خلق را علی الرغم مشکلات عظیم ترور و وحشت، حبس و زندان، در صفوف مقدم مبارزه علیه تمام جنایات طبقات حاکم علیه ارتجاع و امپریالیسم، علیه تمام حکومت های ستمگر دولت افغانستان برافراشته و آتش- بجان دشمنان قسم خورده خلق بر افروخته اند.

حکومت های دولت افغانستان بشمول حکومت صدراعظم موظف دوکتور عبدالظاهر - همه به نماینده گی از طبقات حاکم مرتجع استثمارگر افغانستان (غالمغال وکلاء، بناغلی رئیس:- وکیل صاحب لطفاً سر موضوع گپ بزیند. سر خط مشی لطفاً گپ بزیند) خلق های سیاه یک سلسله اند که خلق کشور ما را به زنجیر کشیده اند. بدین جهت ما در برابر تمام حکومت های دولت افغانستان بی اعتمادی صریح و قاطع خود را سرسختانه اعلام کرده ایم و به حکم اراده خلق افغانستان به حکومت شما نیز آقای عبدالظاهر رای اعتماد نمیدهیم. زیرا وضع هلاکت بار کنونی کشور ما مبین این حقیقت انکار ناپذیر است که حکومت های افغانستان بنا بر ماهیت طبقاتی خود هرگز نمیتوانند مردم رنجکشیده ما را از فقر و ظلمت نجات دهند.

این حقیقت در اصول مرامی ما، در صدها بیانیه و مبارزات پارلمانی و خارج پارلمانی ما، در نشرات جراید خلق و پرچم ما- در اعلامیه ها و قطعنامه های ما- در صدها مارش و میتینگ تظاهرات و اعتصابات ما، در اجتماعات و کنفرانس های ما در تبلیغات و مبارزات انتخاباتی ما در سراسر کشور علماً پیشبینی و توضیح شده است. چنانکه باصطلاح خط مشی بناغلی عبدالظاهر گواه زنده آنست.

آقای عبدالظاهر:- برای یک وطن پرست وارد به مسائل ملی کافی است که در همان برخورد اول به وضاحت خصلت ایدئولوژی بورژوا امپریالیستی خط مشی حکومت شما را تشخیص دهد قسمت عمده

خط مشی شما که در آن فقر سواد سیاسی و تئوریک کاملاً نمایان است محتوای یک سلسله عبارات مجرد بی ربط غیر عملی، پر از مجامله، دعا گوئی و آرزوهای فریبنده و سراب ماندنیست که هیچ گونه تضمین و تعهد اجرا ندارد و فاقد مطالبی در زمینه اصلاحات سیاسی آزادی های دموکراتیک تحول اقتصادی و اصلاحات اجتماعی و فرهنگی ترقی و رفاه عمومی مردم ما میباشد که باید از هم اکنون مبارزه علیه آنرا شجاعانه آغاز کرد.

بناغلی صدراعظم- موظف: آن عقیده شما، از مرکز به طرف چپ چه شد! این خط مشی شما که از راست به جانب راست افراطی تأسف انگیز است در خط مشی گفته میشود «جامعه دموکراتیک ما» این دیگر صاف و پاک فریب خلق است. جامعه فئودالی را بنام جامعه دموکراتیک جا زدن بی دانشی محض و پل پای دزدان و دشمنان دموکراسی را پوشاندن و خاک زدن به چشم مردم است.

بناغلی صدراعظم موظف:- شما (که می گویند شاید آخرین تیر قانون اساسی باشید و در قبال آن با زور سر نیزه تهدید و شانتاژ می کنند) وقتی در دوره (۱۲) اولسی جرگه ادعا می کردید که وجود فراکسیون مخالف چپ در پارلمان برای رشد دموکراسی ضرورت است حالا بشنوید: شما که طی پنج حکومت اخیر- وزیر- رئیس شورای ملی و نایب رئیس لویه جرگه معاون صدراعظم، رئیس اولسی جرگه و سفیر نیز بوده اید و اکنون با این خط مشی پا در هوا که بیشتر به یک مقاله عادی جراید حکومتی شباهت دارد تا به خط مشی یک حکومت، و با یک عده وزرای فاقد ماهیت دموکراتیک و جدا از خلق مدعی حکومت به محروم ترین مظلوم ترین و عقب مانده ترین مردم جهان یعنی خلق های افغانستان هستید دیگر با ماشین اداره کهنه و شکنجه دهنده دولت افغانستان از جان مردم فقیر ما چه میخواهید؟ آخر جز پوست و استخوان چیزی برای توده های بلا کشیده ما باقی نگذاشته اند هر آنچه داشتند میلیاردها- میلیاردها غارت کردند، دزدیدند و برای روز آینده در بانکهای دوستان امریکایی و انگلیسی خود تحویل دادند. مضحک است که در خط مشی گفته میشود «اجراءت حکومت من . . . در حدود توانائی مالی دولت خواهد بود» آقایان! دولت شما دیگر توانائی مالی ندارد در افلاس است والسلام! عجب جسارتی که باز هم در خط مشی «سهم گیری فعال کافه هموطنان» را توقع دارند!

در حالیکه سالانه بخش بزرگی از عواید ناچیز دولت (بیت المال) را حیف و میل و اختلاس میکنند و باز هم این دهها سال است که زمام داران وابسته و چاکر منش افغانستان با پر روئی می گویند دولت عاید و پول ندارد باید صبر کرد- آهسته آهسته همه کارها خوب می شود(!)

ای حفران کهنه کار باز هم غارت و تحمیق میکنید ولی دیگر باید آگاه بود که آفتاب شما بر لب بام رسیده- دور نیست که در دادگاه خلق در روز رستاخیز ملی محاکمه و مجازات شوید.

شما قدرت های حاکم- شما زمام داران کشور- شما طبقات و محافل حاکم- شما ملاکان و سرمایه داران بیرحم- شما اشراف فنودال- شما تاجران بیروکرات فاسد شما نماینده گان حاکم- شما حکومتی ها- آخر یک حساب به مردم بدهید ده بیست، سی، چهل سال قبل شما و پدران تان چه داشتید- شما را به خدا آخر بگوئید این میلیارد ها ثروت از خون ملت فقیر ما را چگونه بدست آوردید و الله ابلیس هم به حساب شما نمیرسد. آخر چرا وجدان های شما تکان نمیخورد- هم اکنون هزاران نفر هموطن ما حتی بفروش فرزندان خویش میپردازند تا لقمه نانی بدست آورند. گرسنگی و بیماری گروه-گروه مردم ما را، کودکان ما را بکام مرگ فرو میبرد.

عالی جنابان که بر کرسی های قدرت تکیه زده اید این داغ ننگ است که هزاران نفر هموطن ما از فقر و بدبختی- از قحطی و قیمتی به رژیم نظامی گر پاکستان پناه میبرند و در آنجا مجبور می شوند بحیث سربازان اجیر در سرکوبی نهضت بنگله دیش شرکت کنند و مردم بنگال شعار ضد «پنجابی پتان» بدهند.

شرم آور است باز هم یاوه سرائی میکنید و عوام فریبانه لاف خدمت به وطن میزنید.

علت عمده فقر قحطی و قیمتی غله نظام فنودالی است که قوای سه گانه دولت- حکومت- شورا و قضا در خدمت آنست نه آنچه که در خط مشی با آن سطحی برخورد شده است.

باید این نظام نفرت انگیز فنودالی را هرچه زودتر بر انداخت و نیروهای تولیدی را از قید اسارت آزاد ساخت.

هم اکنون فریاد گرسنگان و دهقانان در سراسر کشور بالاست ولی با تهدید سرنیزه خاموش می شود مرگ بر قدرت سرنیزه ایکه بر روی مردم کشیده میشود.

دلخراش و ننگین است که هنوز میلیون ها انسان کشور ما در شرایط رقت بار ماقبل تاریخ- در شرایط فلاکتبار قبيله وی و کوچیگری که در خط مشی از آن نامی هم برده نشده است بسر میبرند هنوز پوشاک توده های فقیر ما پوست بز، وسیله کار شان چوب و سنگ، خوراک شان گیاه های وحشی خانه های شان دخمه های مرگ است.

آقای عبدالظاهر:-

اینک نمونه نان ایکه خوراک توده های فقیر ماست که مرکب از گیاه تلخ و آلوده به جو است به شما اهدا میکنم. بیا این را ببرید.

باز هم باور ندارید به کنرها- بدخشان- هزاره جات- غور- پکتیا- لغمان- نورستان- پنجشیر- فراه- نیمروز و سایر ولایات کشور بروید و نتایج کارنامه های سیاه حکمفرمائی تان را مشاهده کنید. توده های عظیم دهقانان این نیروی عمده جنبش انقلابی کشور- زیر چنگال آهنین قرض های سود خوران- ستم و استثمار وحشیانه طبقه مالکین مالیات های سنگین- بوروکراسی و اداره فاسد محلی و مرکزی ظلم و جور والی ها اولسوالی ها- خرنوال ها و قاضی ها- پلیس و ژاندارمری شکنجه میکشند صدها هزار دهقان از زمینهای خود رانده شده اند و زمینهای آنها را مالکین و زمام داران ظالم غصب کرده اند.

دهقانان فریاد میکشند- نان- آب- زمین- ولی خط مشی عبدالظاهر درباره ظالمانه سکوت میکند.

دیگر راه نجات برای دهقانان نیست جز اینکه اصلاحات ارضی دموکراتیک بشود و به شرکت همه دهقانان زحمتکش اجرا شود.

طبقه کارگر کشور این سرکرده نهضت انقلابی، بیرحمانه استثمار میشوند حداکثر کارگران بیش از پنجصد افغانی دستمزد ندارند در حالیکه تنها قیمت یک سیر آرد گندم تا (۱۴۰) افغانی در نوسان بوده است.

شما حکومت های مستبد افغانستان- کارگران را از تمام حقوق دموکراتیک از تشکیل اتحادیه ها محروم کردید- در دفاع از چند سرمایه دار دلال و آمرین ظالم- نهضت های اعتصابی و تظاهرات کارگران کارخانجات جنگل- کابل- گلبهار- پلخمری- قندز- مزار- ننگرهار و مارش ظفرنمون کارگران شبرغان را بیرحمانه سرکوب کردید. دهها هزار کارگر را محروم از کار کردید و عده ای از آنها را روانه زندان ها کردید.

رنج بیکاری- فقر و فقدان اطمینان به فردای زنده گی را برای خلق کارگر ما غیر قابل تحمل ساخته است. کارگران، کار- افزودی دستمزد، بهبود شرایط کار و اتحادیه های کارگری میخواهند!

کارگران دوران ساز افغانستان- آینده از آن شماست از مشکلات نترسید- پرچم نهضت کارگری کشور را شجاعانه سر بلند نگهدارید.

مرگ بر دشمنان طبقه کارگر!

شما حکومت ها:

کسبه کاران- پیشه وران و دکان داران خورده فروش را ورشکست کردید. حقوق مامورین متقاعد نظامی و ملکی را زیر پا کردید در برابر نهضت روشنفکری اعم از شاگردان و محصلان معلمان و

استادان مکاتب لیسه ها و پوهنتون و مامورین پائین رتبه با تحقیر و خشونت معامله کردید هزار ها تن از جوانان کشور را از حق کار و تحصیل محروم کردید و از فرهنگ فنودالی استعماری دفاع کردید.

حمله وحشیانه ژاندارم و پلیس علیه جوانان در (۳) عقرب این روز جوانان افغان در ۲۳ و ۲۹ ثور مخالفت علیه تشکیل اتحادیه دموکراتیک و ملی محصلان و اساسنامه وطن پرستانه آن که در نتیجه مبارزه متحدانه محصلان به روز ۱۵ جوزا اعلان شد، برخورد غیرقانونی و تشدد آمیز در مورد خواستهای شاگردان معارف و اهالی وطن پرست هرات و مزار- میمنه و کندهار- غزنی و دیگر ولایات کشور همه مظاهری از ستمگری و تجاوز به حقوق و آزادی های مردم به وسیله شما حکومتهای افغانستان است.

شاگردان و محصلان سیستم تعلیمی مترقی و تحصیلات عالی میخواهند!

برخورد تحریک آمیز حکومت و عمال امپریالیسم آلمان غرب در برابر مردم رنجکشیده پکتیا به خصوص درین اواخر علیه شاگردان لیسه های گردیز و خوست محکوم و نفرت انگیز است. تا جائیکه باعث تصادم میان پدران و پسران وطنپرست و تشدید نفاق و تصادم ها میان قبایل سلحشور پکتیا شده است. باید به حکومت نظامی در پکتیا خاتمه داده شود.

شما حکومتهای افغانستان تبعیضات مذهبی اعم از سنی و شیعه و نژادی، قومی و قبیله وی، لسانی و فرهنگی محلی منطوقی را در میان خلق های برادر پشتون، تاجیک، هزاره، این غرجستان های ستمکش ازبک، ترکمن بلوچ و غیره دامن میزنید، تخم نفاق و تفرقه می پاشید و حکومت میکنید. زبانهای ازبکی، ترکمنی و بلوچی افغانستان را مختنق ساختید.

باید راه تکامل فرهنگهای ملی و زبانهای افغانستان اعم از پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی و بلوچی و غیره از طریق دموکراتیک هموار و ستم ملی ریشه کن شود.

هم اکنون تحت قدرت شما توده های عظیم زنان نجیب افغانستان عملاً فاقد هرگونه حقوق دموکراتیک هستند و در تحت ستم و تبعیض وحشت و ترور، رعب و ترس ارتجاع بسر میبرند که شما صدراعظم موظف در خط مشی تان حتی جرات تماس به آنرا نداشتید.

دستگاه پلیس و ضبط احوالات شما در تحت نفوذ سازمان های جاسوسی سی.ای.ای و آلمان غرب تفتین و بیداد میکنند. وضع زندانهای تان فاجعه انگیز است. هر روز صدها توطئه و دستبرد، تجاوز مشهود و بیشرمانه بر آزادی های مصرح در قانون اساسی بر استقلال قوه قضائیه، بر اعلامیه حقوق بشر که عوام فریبانه بان تعهد سپرده اید بعمل میآورید. در انتخابات شورا مستبدانه مداخله کردید. قانون

شاروالی ها، احزاب جرگه های ولایتی را ملتوی ساختید با وجود اینکه دوکتور عبدالظاهر مذبحانه تلاش کرده است که در خط مشی خود را شامپیون قانون وانمود کند ولی اصلاً از تطبیق قوانین فوق الذکر دم نزده است.

بناغلی صدراعظم موظف، در خط مشی تان از انارشی، بی نظمی، اخلال، امنیت، خودسری، قانون شکنی، تقویت دستگاه امنیت، تعقیب عدلی و تأمین و نظم فراوان حرف زده اید و روی آنها به خصوص تاکید کرده اید. در اینجا لازم میافتد که به تمام رفقا و دوستان و تمام نیروهای ترقیخواه وطن پرست هشیار باش دهیم که لبه تیز و هدف ازین کلمات تهدید نهضت آزادی بخش ملی کشور و سرکوبی آشکار، قساوت کارانه و خشن پلیس آنست که به وسیله قانون گذاری ضد خلق و به بهانه حاکمیت قانون بکار برده خواهد شد لذا باید تمام نیروهای ملی و مترقی کشور نسبت به هر وقت دیگر تفرقه میان خود را کنار بگذارند و در یک جبهه وسیع مبارزه فشرده با هم، متحد شوند و نقشه شوم ارتجاع را فلج کنند. زیرا اگر استعمال این کلمات و عبارات اقلأ بغرض دفاع از همین دموکراسی صوری و قانون اساسی هم میبود باید این دسته باصطلاح هواداران قانون اساسی در خط مشی خود صریحاً واضح می کردند که دشمن نظم و امن عامه و دشمن آزادی و ترقی و ملت و وطن محافل ارتجاع سیاه داخلی، منتفذان محلی، فتنه انگیزان، فعالیتهای تخریب کارانه امپریالیستی و در مرکز آن اداره فاسد دولت و نظام فرتوت فنودالی و قبیلوی است که موجب خودسری ها قانون شکنی ها، اخلالگری ها، انارشی گری ها، تحریکات و تاکتیک های نفاق و خدعه و هرج و مرج می شوند و مانع عمده در راه تطبیق آزادی های مصرح در قانون اساسی هستند و حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم، کرامت و فضیلت انسانی را لگد کوب میکنند.

باید در راه تطبیق آزادی های مصرح در قانون اساسی بیدریغ مبارزه کرد. شما حکومتی ها در تبلیغات دروغین تان، در پروگرام ها و خط مشی پر از نیرنگ و عوام فریبانه تان از آزادی، عدالت و دموکراسی و حاکمیت قانونی دم میزنید در حالیکه عملاً قانون جنگل در کشور حکمفرماست. طبقات حاکم و گماشتگان شما چون گرگان درنده خوی بجان و مال مردم افتاده اند.

راستی منظور تان از این دموکراسی چیست؟ آخر چرا مردم ما را گول میزنید دموکراسی طبقاتی موجود شما اصلاً وسیله مظالم و تاخت و تاز برای مستبدین، مرتجعین و منتفذان محلی است که مشت ناچیز از ملت را تشکیل میدهند. در واقع دموکراسی طبقاتی موجود دموکراسی سر و دم بریده، جعلی و سالوسانه ایست که برای توانگران در حکم سعادت و برای رنجبران و زحمتکششان در حکم دام فریب است. به یقین که نورچشمی های فاسد طبقات حاکم از هرگونه آزادی تا دستبرد بجان و ناموس مردم برخوردار اند.

آقایان صاحبان قدرت، چرا از تشکیل مستقل احزاب از اتحادیه های کارگران دهقانان و محصلان میترسید؟ چرا از آزادی بیان، تظاهرات و اعتصابات میترسید؟ چرا از بیداری، اتحاد و تشکل خلق میترسید؟ معلوم است برای اینکه شما منحنیت ماهیت تان ضد دموکراتیک و ضد خلق هستید و امتیازات بزرگ طبقاتی و بقای شما را به مخاطره میاندازد.

شما محافل حاکم تلاش می کنید که به مثابه کاریکاتوری از سیاست ناکام رژیم حاکم ایران و رژیم خون آشام پاکستان میمون وار تقلید کنید. باین معنی که غول های انحصارات امپریالیستی امریکا، آلمان غرب جاپان و انگلستان و حتی خود ایران و پاکستان را در کشور وسیعاً مسلط گردانید و به وسیله ایجاد احزاب دستوری و فرمانبردار حاکم از «دموکراسی» یک قیافه «مسخ شده و کاذب ترتیب دهید. باید علیه احزاب چاکر منش- در راه دموکراسی واقعی- حقوق و آزادی های دموکراتیک- آزادی مطبوعات ملی و مترقی- تشکیل مستقل احزاب دموکراتیک و وطن پرست- اجتماعات و سازمانهای توده ای دلیرانه مبارزه کرد!

هموطنان!

باید توجه داشت حکومت های که در وضع کنونی به وجود میآید مولود تضادها، دسایس و قدرت طلبی های جناح های مختلف محافل حاکم بوده و وسیله فریبنده و زجر دهنده بیش نیستند و نفوذ و مداخله قدرت های امپریالیستی در آنها مشهود است.

دستهای مداخله گران خارجی از امور داخلی کشور ما کوتاه! محافل مرتجع حاکم و محیل افغانستان بوسیله تحریکات ارتجاع سیاه افراطی قصداً دهشت افکنی و اخلالگری میکند تا بهانه برای از بین بردن کامل آزادی های مصرح در قانون اساسی و سرکوبی خونین نهضت رهائی بخش ملی بدست آورند و بی پرده و آشکارا دیکتاتوری فردی و حکومت وحشیان اختناق را استحکام بخشند.

باید نیروی ارتجاع سیاه افراطی را جدی گرفت. نباید هشیاری را از دست داد. باید جبهه وسیعی از منورین وطن پرست را علیه این دشمن عمده خلق تشکیل داد و آنرا بی امان در هم کوبید.

شما حکومت های افغانستان جرم عظیمی را در جلوگیری از صنعتی ساختن کشور در حفظ و تقویت مناسبات فنودالی، زنده گی هلاکت بار قبیلوی و کوچی گری، نظام فرسوده و ظالمانه مالیاتی- تجارت درهای باز و نفوذ تاجران و انحصارات خارجی مرتکب شده اید که در نتیجه آن اکنون افغانستان عقب مانده ترین کشور جهان است.

هیئت حاکمه افغانستان درک کرده که بدون یک تکیه گاه دیگر طبقاتی ممکن نیست به قدرت و سلطه خود ادامه دهد بدین جهت در پالیسی اقتصادی حکومت ها گرایش جدیدی برای تقویت سرمایه داری بوروکراتیک و کمپرادوری و غول های انحصارات خارجی در کشور هویدا است.

دادن امتیازات و تضمین های فراوان و بالاتر از قانون اساسی برای سرمایه داران داخلی و خارجی در قانون سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی در قانون سیاه بانکهای صنعتی که در دوره حکومت بناغلی اعتمادی روی فشار و دسیسه در جریان افتاد همه مبین سیاست ضد ملی دولت افغانستان به خاطر ایجاد تکیه گاه جدید و نفوذ روز افزون استعمار نوین است.

بدین جهت بی ارتباط نیست که شما بناغلی عبدالظاهر بر مبنای تعقیب جاده سرمایه داری که به وال استریت میانجامد در خط مشی تان قویاً راه را برای نفوذ و سلطه انحصارات خارجی امپریالیستی زیر نام سرمایه گذاری خصوصی خارجی به قیمت تخریب سکتور عامه اقتصاد رسماً و علناً باز کرده اید و به صورت فریبنده یکی از عوامل فقر مالی دولت و مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور را به غلط و ناشیانه نتیجه کمک ها و قرضه های ثمر بخش و مساعد در ساختمان زیربنای اقتصادی کشور دانسته اید اگر اندکی مصالح ملی در نظر میبود باید میان- کمک های مساعد و ثمر بخش که به نفع ایجاد اقتصاد ملی کشور میانجامد از یکسو و قرضه های اسارت آور و استثماری مانند سرمایه گذاری های اقتصادی غیر مفید در پروژه های بزرگ ولی مرده وادی هلمند برق ماهیپر و میدان هوایی قندهار از سوی دیگر خط روشن ملی میکشیدید اگر یک سنجش وطن پرستانه و بسیط حسابی وجود میداشت تشخیص میدادید که تنها یک قلم حاصل فروش گاز بخش عمده ای از کمکها و قرضه های مساعد ثمر بخش و طویل المدت را که در عرصه ساختمان زیربنای اقتصادی کشور ما صورت گرفته تکافو میکرد.

از اینجاست که نظریات ناقص و ضد ملی اقتصادی شما در خط مشی عیناً تعقیب نظریات مشاورین اقتصادی کشورهای امپریالیستی و سازمان های مالی آنهاست که ساختمان زیربنای اقتصادی کشور را اقتصاداً غیر مفید اعلان کرده اند تا بدین ترتیب راه را برای استثمار به وسیله میلیونر های امریکایی، جرمنی، جاپانی، انگلیسی و غیره در کشور هموار کنند.

آقای عبدالظاهر شما به غلط و بدون فهم الفبای علم اقتصاد و جامعه شناسی مواد ده گانه مندرج در خط مشی را عامل و علت مشکلات اقتصادی و اجتماعی و فقر مالی دولت و عدم سرعت رشد اقتصادی کشور وانمود کرده اید در حالیکه این مواد برای ما یک سند افشاگری و اعتراف و محکومیت تمام

حکومت های افغانستان است ولی علماً آنها همه معلول استند نه علت و عامل عقب مانده گی و مشکلات عظیم کشور ما همانا نظام فرسوده و ظالمانه اقتصادی- اجتماعی امپریالیسم و دولت افغانستان است.

آقای عبدالظاهر! شما با این خط مشی تان بدون اینکه راه های حل علمی و اساسی فقر اقتصادی تقویت مالی دولت و ایجاد یک اقتصاد ملی را نشان دهید بسیار ماهرانه از لحاظ ایدئولوژی در موضوع دفاع از عوامل اساسی عقب مانده گی کشور یعنی ملاکان بزرگ سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم و استعمار نوین این دشمنان ترقی و پیشرفت افغانستان قرار گرفته اید و اجرای همه وظایف خطیر کشور را صرفاً حواله به وضع قوانین کرده اید این دیگر هذیان است باید خاطر نشان ساخت که عادلانه ترین و دموکراتیک ترین اقتصادی هم نمیتواند بدون یک دولت دموکراتیک بدون حاکمیت خلق بدون تحولات اساسی و بنیادی اجتماعی و اقتصادی به صورت مجرد حاکمیت خود را در یک کشور تحت شرایط قرون وسطائی- مثل افغانستان تضمین کند پس معلوم است قوانین اقتصادی و مالی را که شما خواهان آن هستید برای حفظ منافع طبقات ارتجاعی است نه به نفع خلق. لذا باید در برابر چنین حاکمیت قانون که مظهر حاکمیت زورمندان مرتجع است بی امان مبارزه کرد.

باز هم باید خاطر نشان ساخت، گفتار ما به این معنی نیست که ما طرفدار حاکمیت و وضع قانون نیستیم ما جداً طرفدار وضع و حاکمیت قانون هستیم ولی حاکمیت قانون دموکراتیک و به نفع توده های مردم افغانستان به پیشگاه مردم افغانستان اعلام میدارم که کندی رشد اقتصادی فقر و قحطی و قیمتی کنونی عمدتاً ناشی از سیاست غلط و ضد ملی دولت افغانستان به جهت سرمایه داری کمپرادوری یعنی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و تقویت تشبثات خصوصی داخلی و خارجی تضعیف و بدنام کردن سکتور عامه اقتصاد تسلیم شدن به نظریات و نفوذ مشاوران اقتصادی کشورهای غربی مانند ای آی دی و گروپ نیتن امریکایی هندرکسن آلمانی، صندوق پولی بین المللی، بانک جهانی و آسیایی میباشد که در اثر آن طی چند سال اخیر قیمت های عمومی در حدود (۲۰۰) درصد افزایش یافته و ارزش افغانی فوق العاده پایین آمده است، قیمت گندم طی دهسال اخیر (۶) مرتبه بالا رفته است ۱،۵ درصد آهنگ رشد به تناسب ۲،۹ درصد افزایش نفوس پرتگاه فقر و عقب مانده گی کشور ما را عمیقتر ساخته است. عواید ملی ما پست ترین عواید ملی جهان است.

امپریالیستها از طریق صدور سرمایه و اموال در کشور ما و تجارت نابرابر شعبده بازی با قیمت ها و منظمآ اسعار و قرضه های اسارت آور و اعمال فشار از جانب سازمانهای مالی بین المللی، کمک به محافل ارتجاعی و به موازات آن قاچاقبری و غارت آشکار زمام داران و زورمندان تجارت دلالی از طریق بانکها با کشورهای سرمایه داری فساد د افغانستان بانک اختلاس و نشر خودسرانه میلیارد ها

افغانی به حساب ملت همه در یک جبهه سیاه اقتصادی دست بهم داده عامل و باعث استثمار وحشیانه توده های میلیونی ما، فقر رکود و مشکلات اقتصادی و مالی کشور ما و تاراج معادل میلیارد ها دلار- برابر به بیش از صد سال عواید ملی دولت و چپاول ثروت های ملی ما شده اند.

لیکن خط مشی حکومت موظف در تمام این عرصه ها باز هم بیرحمانه سکوت کرده است.

بناغلی دوکتور عبدالظاهر: راه خط مشی شما راهیست پر از رنج و عذاب برای مردم ما راه نجات در این عرصه راهیست که باید بانکها و تجارت خارجی ملی شود و سکتور عامه اقتصاد تقویت شود کشور صنعتی شود.

دارایی های غارت گران بیت المال و دزدان ثروت های ملی کشور رشوه خوران زمین خوران و خائنین به ملت باید مصادره و ملی شود تمام انحصارات و تاجران خارجی از کشور طرد شود.

ما جز اینکه مهمترین، عمده ترین و حیاتی ترین مسأله کشور ما را پیشرفت سریع اقتصادی تشکیل میدهد که در قلمرو روبنای دولت افغانستان مانع شده است.

حکومت های افغانستان در عرصه سیاست خارجی غالباً سیاست توازن، معامله گری و سازش با رژیم های ارتجاعی را بجای سیاست بی طرفی فعال و مثبت به حساب آورده اند از همه ضد ملی تر اینکه در متن چاپی پشتو و دری خط مشی کنونی شاعلی عبدالظاهر حد اقل اصطلاح سیاست بی طرفی مثبت و فعال نیز برای اولین مرتبه و قصداً بیباکانه و علناً حذف شده بود که در اثر صدای اعتراض من با تشویش و نا آرامی خاص.

خاص، با کراهت خاطر و بدون اعتقاد به آن مصنوعاً و ظاهراً و فی المجلس اصطلاح سیاست بی طرفی فعال و مثبت را در خط مشی اصلاح و علاوه کردند ولی دیگر سودی ندارد نقشه و اندیشه درونی سیاست خارجی شان در زمینه آشکار شده است- و اگر چنین نیست تعجب آور است که چطور حیاتی ترین پرنسیپ سیاست خارجی افغانستان که مظهر اراده تاریخی و صلح جویانه مردم افغانستان است اعمال و فراموش میشود و از چاپ می افتد(!)

همچنان بکار بردن مجرد اصطلاح قضاوت آزاد، از نظر سیاسی میتواند سازش با نیروهای جنگ، تجاوز امپریالیسم و در راس آن امپریالیسم امریکا، این ژاندارم بین المللی، و ضدیت علیه نیروهای صلح، آزادی و ترقی در جهان تحریف و توجیه شود اگر چنین نیست اقلاً چرا در خط مشی اشاره ای هم به کنفرانس های باندونک، بلگراد، قاهره و لوسکا نشده است، و صرفاً با یک تذکر سطحی در

مساله پشتونستان و شرق میانه و دیگر تمام مسایل جدی جهانی، نهضتهایی آزادی بخش ملی خلق های- آسیا- افریقا، امریکای لاتین و منطقه و روابط با کشورهای همجوار- عمداً از نظر انداخته شده است.

سیاست دولت افغانستان در مسئله ملی پشتونستان و بلوچستان از ابتدای- تجزیه نیم قاره هند بزرگ- تا کنون ارتجاعی، عوام فریبانه و ناکام بوده است- و به شیوه اداره استعماری- ظاهراً بنام پشتونستان ولی در حقیقت به خاطر تحکیم ارتجاع قبیلوی و فئودالی در این طرف و آن طرف خط استعماری دیورند عمل شده است.

سکوت حکومت اعتمادی و حکومت موظف عبدالظاهر در خط مشی وی- در برابر سیاست ترور و آدم کشی و اختناق نظامی گر اسلام آباد، این نماینده مشتی از سرمایه داران ستمگر پنجابی علیه خلق های پشتونستان و بلوچستان و بنگلادش و عدم گرفتن علاقه به مسأله مهاجرین بنگالی- در واقع یک جبن سیاسی و سازش با محافل حاکم پنجابی است که هدف عمده آن جز حفظ قدرت حاکم و ترس از اعتلای جنبش انقلابی متحدانه خلق های برادر پشتونستان و بلوچستان و خلق های افغانستان چیز دیگری تلقی شده نمیتواند.

اکنون دیگر وضع سابق منطقه به خصوص از لحاظ مسأله پشتونستان و بلوچستان تغییر کرده است. ایدئولوژی پاکستان رو به زوال است. باید در برابر اوضاع و احوال جدید در منطقه و موج نوین جنبش رهایی بخش خلق های پشتونستان و بلوچستان و افغانستان و مساله خط تحمیلی استعماری و رو به امحاء دیورند- با دقت و همه جانبه، وطن پرستانه و خلاق برخورد کرد و در زمینه شجاعانه خط مشی نوین انقلابی اتخاذ کرد!

در حالیکه ما احیای حقوق خلق بزرگ چین را در ملل متحد اصولاً پشتیبانی می کنیم و آنرا به نفع صلح میپنداریم، و طرفدار حُسن همجواری میان افغانستان و چین هستیم ولی آنچه بیشتر باعث پیشرو های ملی و مترقی میشود- موضعگیری غیر اصولی شوونیزم عظمت طلبانه چین و مائویست های شعله افروز، در منطقه و بنگلادش است که علی الرغم اراده خلق زحمتکش چین از یکسو عملاً به نفع قوای ارتجاعی منطقه و امپریالیسم میانجامد و صلح منطقه را تهدید میکند- و از سوی دیگر علیه نهضت های آزادی بخش ملی افغانستان، پشتونستان و بلوچستان پاکستان و تمام کشورهای منطقه متوجه می باشد. باید آگاه بود- هر گاه خلق مبارز پشتونستان و بلوچستان امکانات مسالمت آمیز مبارزه را به خاطر آزادی ملی و اجتماعی از دست بدهند، راه دیگری را انتخاب خواهند کرد که در یک جبهه وسیع ملی از پشتیبانی بیدریغ خلق های قهرمان افغانستان برخوردار خواهند بود.

میگویند که بوتو این محرک کشتار وحشیانه صدها هزار مسلمان پاکستان و دشمن پشتون ها از کابل دیدن می کند. اخطار به حکومت افغانستان و بوتوی قاتل این عامل امپریالیسم- و قاصد جنرال های خون آشام اسلام آباد که با عکس العمل های شدید مردم ما چون اگنیو قاصد امپریالیسم رو به رو خواهد شد!

دست خونین جنرال های فاشیست پنجابی از پشتونستان و بلوچستان و بنگلادش کوتاه! پیروز باد نهضت آزادی بخش ملی و اجتماعی خلق های افغانستان، پشتونستان و بلوچستان در یک جبهه وسیع ضد ارتجاع و امپریالیسم!

راستی کتاب انقلاب سفید اثر شاه ایران را خوانده باشند که میگوید:

«چطور روزی شاه سلطان حسین صفوی در پایتخت خودش به دست یک مشت دزد قافله زن محاصره میشد.»

ملاحظه کنید! «یک مشت دزد قافله زن» که منظورش افغانهاست. شرم بر هیئت حاکمه افغانستان که باز هم داد از غرور ملی و وطن خواهی میزنند و با رژیم حاکم و سازمان جاسوس ساواک ایران علیه نهضت های آزادی بخش خلق های برادر دو کشور افغانستان و ایران که ریشه های مشترک تاریخی دارند، در زد و بند های شخصی و سیاسی اند. برخورد تسلیم طلبانه- در زمینه آب هیرمند در برابر شانتاژ امپریالیسم امریکا و تهدید نظامی دولت ایران و به هدر رفتن میلیاردها افغانی و در حدود ۲۰۰ میلیون دلار در پروژه وادی هلمند، مهاجرت دهها هزار هموطن ما به ایران، موضعگیری سازش کارانه در برابر پکتهای سنتو و سیاتو و کرشمه بازی ها با آر، سی، دی همه مبین سیاست کرنش و ضد ملی دولت افغانستان است.

ما به حیث وطن پرست ترین فرزندان افغانستان- خاطر نشان میسازیم که ارتجاع راست افراطی و شعله افروزان چپ افراطی، که حتی از استعمال کودکان معصوم و خردسال ما نیز برای مقاصد زشت و شوم خود شرم ندارند، عملاً در زیر لوای انتی سوسیالیسم در یک جبهه با جناح راست محافظ حاکم و سازمان های جاسوسی داخلی و خارجی در تفتین و توطئه اند تا روابط نیک و حسن همجواری افغانستان و اتحاد شوروی را بسود ارتجاع و امپریالیسم و شوونیسم برهم بزنند و تمام ثمر بخش کمک های اقتصادی و تخنیکی بدون قید و شرط و سهل اتحاد شوروی را که در بیش از هفتاد پروژه صنعتی زراعتی و فرهنگی و زیربنای اقتصادی ملی ما صورت گرفته و تقریباً به (۶۰) میلیارد افغانی معادل به بیست ساله عواید حقیقی دولت به اعتبار سال (۴۹)- میرسد و با قرضه های استثماری کشورهای

امپریالیستی قابل مقایسه بوده نمیتواند بدنام و تخریب کنند و قصداً مانع بزرگی در راه رشد و ایجاد اقتصاد ملی کشور به وجود آورند.

ما بدون اینکه کوچکترین بیم و ترس از اتهامات دروغین و نا مردانه مفتریان فرومایه و تحریک اغواگران و توطئه دهشت افکنان داشته باشیم به حیث پُر شور ترین وطن پرستان و سرشار از غرور ملی به پیشگاه مردم حق پرست خود بیان میداریم که میزان دوستی و دشمنی ما- در برابر کشورهای خارجی بر اساس صلح و آزادی در جهان استقلال و مصالح عمومی خلق و وطن مان افغانستان محبوب بنا یافته است.

بر پایه این اصول وطن پرستانه است که میگوییم: باید از توسعه و تحکیم مناسبات نزدیک افغان- شوروی صریحاً دفاع و پشتیبانی شود- و در برابر تمام دستیاران مرتجع خارجی و کسانیکه وطن خواهی را به صورت عوام فریبانه، مجرد و در چارچوب تعصبات و منافع تنگ نظرانه طبقاتی و ایدئولوژیک خود تبلیغ میکنند و مناسبات ثمر بخش هر دو کشور مستقل همجوار را ضد منافع ملی افغانستان جلوه میدهند و از فئودالیسم و سرمایه داری دفاع میکنند شجاعانه مقاومت کرد و پرده از چهره شیطانی آنها دور افکند، شارلاتانی، دروغ و کذب شان را درباره افشا و برملا ساخت. زیرا حقایق روشن و ارقام گویا نشان میدهد که روابط نزدیک و صلح جویانه و دوستانه افغانستان و اتحاد شوروی کاملاً به نفع مردم و وطن ما به مصالح استقلال و ترقی کشور ما مطابقت دارد.

بناغلی دکتور عبدالظاهر:- این چگونه سیاست بی طرفی مثبت و فعال و قضاوت آزاد است که نه حکومت‌های سلف شما و نه خود شما در خط مشی تان ابراز داشته اید که این امپریالیسم و در راس آن امپریالیسم امریکاست که تجاوزکار و جنگ طلب است به ستمگری بر بسیاری خلق های جهان به شمول خلق های شریف و سیاه پوستان امریکا ادامه می دهند، و کماکان منبع تهدید دایمی امر صلح و ترقی اجتماعی است، باعث خونریزی در ویتنام و دیگر کشورهای هند چین می شود، اسرائیل را علیه خلق های عرب پشتیبانی می کند. این چگونه قضاوت آزاد است در حالیکه دهها میلیون خلق کارگر نجیب امریکا علیه امپریالیسم امریکا عکس العمل جدی نشان می دهد و اسناد سری فجایع پنتاگون را افشا می کنند ولی سیاست «قضاوت آزاد» حکومت موظف افغانستان در باره سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا در سکوت محض است.

دولت افغانستان از یکسو از ایجاد روابط با جمهوریت های دموکراتیک و توده ای آلمان، کوبا، ویتنام و کوریا اجتناب می کنند و از سوی دیگر در نزدیکی و ایجاد پیمان های ایدئولوژیکی با رژیم های مرتجع و وابسته به امپریالیسم تلاش می کند.

سیاست بی طرفی فعال و مثبت و قضاوت آزاد اینست که دلیرانه شعار دهیم:

اسرائیل باید خاکهای اشغالی اعراب را ترک کند!

حقوق مهاجرین عرب فلسطین باید اعاده شود!

مرگ بر امپریالیسم امریکا که اسرائیل اشغالگر را تقویت می کند!

پیروز باد نیروهای مقاومت فلسطین!

زنده باد دوستی خلق افغانستان و خلق های عرب در مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم!

استقلال، آزادی و صلح برای ویتنام قهرمان!

امریکایی ها از ویتنام خارج شوید!

در فرجام:

خلق های افغانستان با تمام خلق های جهان در مبارزات مشترک در تعرض وسیعتری علیه قوای ارتجاع و امپریالیسم در اتحاد و وحدت با سه نیروی کبیر عصر ما:

(سیستم جهانی سوسیالیسم طبقه کارگر بین المللی و جنبش رهائی بخش ملی)

به خاطر صلح استقلال ملی، ترقی، دموکراسی و سوسیالیسم متحد شوید!

اکنون سوال حیاتی و عمده:- راه نجات خلق های کشور ما از ستم و استعمار طبقاتی و یوغ ستم ملی و اجتماعی کدام است و وظایف مبارزه عادلانه ما چیست؟

با عبارات فشرده اعلام میداریم که در نهایت امر نقطه آتش زای مبارزه عادلانه خلق ما عبارت است از:- انتقال قدرت حاکم و گرفتن حکومت شورا و قضا از دست طبقات ارتجاعی حاکم، به وسیله طبقات و قشر های دموکراتیک خلق افغانستان به رهبری طبقه کارگر و پیش آهنگ آن زیرا حکم آمرانه تاریخ است که باید قدرت سیاسی و اقتصادی ملاکان و سرمایه داران و نفوذ امپریالیسم را از کشور بر انداخت، نخست انقلاب دموکراتیک و سپس تحول سوسیالیستی را به انجام رساند.

هموطنان گرانمایه!

باز هم نام سوسیالیسم- که نفوذ روزافزون میان خلق های مسلمان جهان کسب میکند آتش در جان دشمنان خلق میاندازد و آنرا مزورانه، جاهلانه و فتنه گرانه علیه دین اسلام و خلق های مسلمان قرار می دهد.

از آنجائیکه محتوای اساسی دوران ما را- انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم تشکیل می دهد، لازم میآید که حقیقت راه سوسیالیسم را به صورت عامه فهم روشن کنیم:

هموطنان! سوسیالیسم که هدف غائی ماست راه نجاتبخشی است که تمام خلق ها را به سر منزل آزادی، خوشبختی، عدالت و معنویت عالی میرساند، آزادی انجام مراسم مذهبی را به رسمیت می شناسد، به عقاید دینی احترام میگذارد، زن و خانواده را محترم میشمارد، خصوصیات و سنن ملی را رعایت میکند، حق مالکیت شخصی بر عواید دسترنج افراد و حق وراثت ناشی از آنرا به وسیله قانون حفظ میکند، طی زمان کوتاه کشور را صنعتی میسازد، به ستمگری ملی و استثمار انسان از انسان پایان میدهد، بیکاری، قحطی، فقر، بیماری، بیسوادی، و بحران های اقتصادی را کاملاً از بین میبرد، صحت و معارف را برای همگان تأمین میکند، به دهقانان زمین، آب و نان میدهد، سطح عالی زنده گی مادی و معنوی را برای طبقه کارگر و همه توده های مردم تأمین می کند خلق را از ظلمت و جهل بیرون می کشد، علم و تکنیک را ترقی میدهد، جامعه نوینی میسازد که در آن نه ثروتمند باشد و نه فقیر، نه ظالم باشد و نه مظلوم، همه باید کار کنند و از زحمت خود و کار اجتماعی استفاده کنند، نه اینکه مشقت قلیلی از ملاکان، سرمایه داران، زمام داران، و بوروکرات های ستمگر و رشوه خوار بحساب رنج و عذاب و خون میلیونها نفر ثروتمند شوند و در کرسی های قدرت دولت تکیه زنند. ولی برای رسیدن به این مرحله تاریخی وظیفه ماست تا در راه انجام پیگیر انقلاب دموکراتیک ضد فئودالی و ضد امپریالیستی، در راه ایجاد جبهه متحد دموکراتیک ملی و دولت دموکراتیک ملی از طریق تکامل مترقی غیر سرمایه داری مجدانه مبارزه کنیم.

در خاتمه خلق رنجیده افغانستان! نباید به زمام داران و حکومت های که روی فشار، خارج از اراده ملی شما خلق زحمتکش و از قصر ها به وجود میآیند اعتماد و باور کرد فقط زمام داران و حکومت های که از درون خلق و در خدمت خلق و از میان طوفان های مبارزه رهایی بخش خلق- پاک و با تقوا با ایمان و انقلابی بیرون می برآیند، میتوان اعتماد و باور کرد.

خلق ستمدیده وطن- طبقات حاکم داوطلبانه از قدرت خود صرف نظر نمیکنند، باید به خاطر نجات تان بیدار شوید، با هم متحد و متشکل شوید دشمنان آشتی ناپذیر و خدمتگاران صدیق تان را بشناسید بی ترس مبارزه کنید!

با مشقت پولادین خلق میتوان دشمنان خلق را درهم شکست و تمام خائنین به ملت را سرنگون ساخت! خشم مقدس خلق، خشم انقلابی نیرومندی در جامعه ما ذخیره است. باید برای رسیدن به این آرمانهای عالیله خلق صادقانه یکپارچگی و همبستگی سازمان واحد سرتاسری طبقه کارگر افغانستان را تحت

پرچم سازمان واحد دموکراتیک خلق افغانستان بیشتر و باز هم بیشتر تحکیم بخشید ما از صمیم قلب با تمام نیروی ملی و وطنپرست دموکراتیک و ترقیخواه در چوکات اصول و در تحت پلاتفورم و مرام مشترک علیه دشمنان مشترک طالب اتحاد و وحدت هستیم.

باید به تفرقه جویی خاتمه داد!

باید ارگانهای نشراتی دموکراتیک خلق افغانستان- جراید «خلق» و «پرچم» خلق که خلاف قانون قید شده اند آزاد شوند!

باید زندانیان سیاسی از حبس رها شوند!

رفقا! پرچم داران پیکار جوی دموکراتیک خلق افغانستان! به شما هشیار باش می‌دهیم که دشمنان داخلی و خارجی ما فوق العاده فتنه انگیز حيله گر و بی رحم اند و شما را به حیث وطنپرست ترین آشتی ناپذیر ترین انقلابی ترین و اصولی ترین نیروی سیاسی کشور تشخیص داده اند و در لیست سیاه گرفته اند و با تمام قدرت تلاش می کنند که در مرحله اول در صفوف شما تفرقه و بی اعتمادی ایجاد کنند، نیروهای شما را از درون منفجر کنند و اراده مبارزه شما را به حیث پرچم داران و پیش آهنگ نهضت انقلابی خلق افغانستان فلج کنند در اینجاست که باید با هشیاری و شجاعت و اصولیت در صفوف تان برخورد کنید و علیه هرگونه انحرافات چپ و راست برزمید عمال دشمنی را در میان خود راه ندهید وحدت و همبستگی تان را چون مردمک چشم خود حفظ کنید ایدئولوژی علمی و سازمان تان را پاک و منزه نگه دارید دشمنان تان ظاهراً نیرومند ولی محکوم به زوال است چون دلاوران پیشتاز به پیش روید به رنج های خلق بی اندیشید و به وطن عشق بورزید جان های ما در راه خدمت به وطن، افغانستان پُر افتخار و خوشبختی خلق گرانمایه ما وقف باد!

خلق کارگر کشور! جوانان وطنپرست! در هر کجای وطن که هستید هشیارانه و فعالانه در نهضت شرکت کنید از تسلیم طلبی و ماجراجویی هر دو احتراز کنید و به استناد قانون اساسی مبارزه را در دفاع از آزادی های مصرح در قانون اساسی (غالمغال عده و کلاء) بناغلی رئیس گفت وکیل صاحب تاسو پخپله تصویب کردیدی چه هرخومره خبری کوی تصویب موجود ده.

علیه قحطی، و قیمتی علیه محتکرین و سود خوران، علیه ظلم و استثمار وحشیانه ملاکین و کارفرمایان، علیه تاجران بزرگ دلال و ماموران ستمگر، علیه مظالم حکومت (شاغلی وکیل صاحب ختم کنید لطفاً) و اداره فاسد و شکنجه دهنده دولت علیه تمام قوانین و اعمال ضد خلق و ضد دموکراتیک- سازمان دهید.

شعار لغو تمام قرض های سر سود فاحش دهقانان، وضع و اجرای قوانین مترقی کار، دهقانی و اجاره داری، مالیه مترقی و مستقیم به نفع مردم، شعار حق کار، حق تحصیل، نان، آب و زمین را هرچه رساتر و رساتر سازید! فریاد تان را بی ترس بلند تر کنید! مبارزه مرگ و زنده گیست حق داده نمیشود حق گرفته میشود! مبارزه علیه مرتجعین، مستبدین خائنین و عاملین دشمن بر حق است.

اکنون در کشور ما نبرد طبقاتی و جنگ بین کهنه و نو، حق و باطل ترقی و ارتجاع آزادی و استبداد و عکس العمل مردم علیه حکومت شورا و قضا آغاز یافته کسی بخواهد یا نخواهد نهضت انقلابی کشور ما قهراً و جبراً رشد میکند.

در اخیر بگذار از تمام نیروهای وطنپرست و ترقیخواه کشور در یک سنگر پیکار عادلانه متحد شوند در پیوند با خلق و در خدمت خلق نیرومند تر رشد کنند. قدم به قدم، موج به موج از یک پیروزی به پیروزی دیگر به پیش روند و سرانجام به دژ استبداد و ارتجاع فئودالی و امپریالیستی این دشمنان غدار خلق کشور ما قهرمانانه یورش برند و آنها را سرنگون کنند.

بگذار پرچم کبیر مبارزه به خاطر ایجاد افغانستان، افغانستان نوین، افغانستان مقتدر و واحد که در آن نه ثروتمند باشد و نه فقیر نه ظالم باشد و نه مظلوم در اهتزاز درآید. وحدت و همبستگی خلق های برادر کشور ما، ضامن پیروزی آینده ماست- زنده باد خلق افغانستان!

زنده باد سازمان سیاسی دموکراتیک خلق افغانستان این اصیل ترین سازمان پیش آهنگ و رزمنده طبقه کارگر و تمام خلق کشور!

از قربانی لازم نباید ترسید! بی هراس و با عزم راسخ تحت پرچم ظفر آفرین خلق، تحت پرچم اندیشه های پیشروی عصر ما به پیش!

پیروزی حتماً از آن خلق ماست!



د افغانستان د ولوسې جرگې
د ديار لسې ويري علي جرگې نامت

د امتياز خاوند : اولسي جرگه
مسئول مدير : فضل احمد نيازين
پته
د افغانستان د ولوسې جرگې ماني

امر همد شورى پيغم

د اولسي جرگې جريدې

۱۹۷۵ع کال د جولای (۸)

هش کال د چنگاښ (۱۷)

۱۳۵۵

پنجشنبه

درويشتمه لگنه

بيست و چهارمين جلسه عمومي اولسي جرگه بر وزيکشمبه ۱۳ سرطان ۱۳۵۰
د ۱۲۵۰ در حالیکه نصاب مجلس تکميل بود تحت رياست بناغلي پوهنوال
۱۵۰ کتر محمد عمر و نور کورگوس اولسي جرگه بعد از اعلان تکميل نصاب از طرف بناغلي امير منشي مجلس دائر گردید

۱- پیشنهاد قومی طرح شه. راجح و موچه استعمالی اعضای انجمن تقنینی.
۳- قانون سردی نفوس.

بناغلي منشي: بناغلي رئيس صاحب نصاب تکميل دی لطفاً دجلسی دشرح اعلان وکی.

حسنا لا بسا چسسا ز . شنا پيشنهاد نو حید شده در
۱۹۰۰ طرفه وکلای محترم به و الا شاه رسیده است خدمت شما قرائت می کنم
(بسم الله الرحمن الرحيم)

بناغلي رئيس: دقوی شهای په نامه غونډه. شرح کړو
بناغلي منشي: محترم وکلایو نصاب تکميل دی زموږ دیننی
دوهم عمومی غونډه. دوهم اجلاس دوهم کال ددیا ولوسې دقوی
مهور و پشمه عمومی غونډه. ده زموږ دآچندا خوشوع مبادرت دی
موضوعاتو شخه دی:

۱- مادکلای آتی که از طرف مجلس محترم عمومی بنو حید ساختن
پیشنهادات خود موظف شدیم پیشنهادات ماهر کدام طبقه هلیعه
قراوت و بعد درین خود مطالعه و مذاکره نموده بادر نظر گرفتن
اساسات قانونی لحاظ مواخذ اولسي جرگه مواد آتی را با اتفاق آراء
تصمیم اتخاذ و طبقه محترم عمومی اولسي جرگه تقديم نمودیم: آنچه
سرا بدارند بصوابدید وکلای محترم ملت احترام داریم.

۱- اول: در موظف حکومت و مکتوب در ناسید و په انرته پیشنهاد داده
چه در ابتدا اوله خوا شخه مطابق به اساس دقویصلی د مجلس توحید
دهغو پیشنهاد و در اولانشنا تر اول منته موضوع ده.

۱- اول: حکومت جدید بر و ز دوشنبه ۱۴ سرطان بنالاولسي جرگه
حاضر شده غطمش حکومت خود را قرائت د اعضای کا بیته غا ارا
په نمایندگان ملت معرفی دارند و بیان اکتفا شود.

دوهم بحث بر هغه پیشنهاد دی چه موجه دولت داستفنا د اعضا
د انجمن تقنینی ز په اکثریت سره طرح دهغه منل شوی ده.
درینه موضوع اجناد قانون سردی نفوس دی.

۲- اینکه بیکت سواد غطمش حکومت پر بیان پهغو ودی د همان
روز اول به وکلای ملت سپرده خود نادر اطراف آن مطالعه
رغوراسایت.

دکلای محترم نصاب تکميل است جلسه عمومی امر دما بیست و چهارمین
اجلاس دوم سال دوم دره سپرده اولسي جرگه است. آنچه ای
امروز مبادرت از موضوع قرائت پیشنهاد توحید شده است و باره
مکتوب حکومت موظف که آمادگی خود را برای اجرای اقتصادی بر ارا
داشته بود.

۳- حکومت که در روز اول یعنی (دوشنبه ۱۴ سرطان) غطمش
خود را قرائت نموده اعضای مکمل خود را معرفی در خدمت می شود.

لیت تأمل و کلاهر محتوبات ختمش حکومت روز سه شنبه ۱۵ ر ۴۰ ۱۳۵۰ جله عمومی صورت نگر فت

بیست و ششمین جلسه عمومی و دومین جلسه رای اعتماد بر حکومت مؤظف روز ۴ شنبه ۱۶ سرطان ۱۳۵۰ در حالیکه اکثریت مطلق وکلای

محترم ملت، صدراعظم مؤظف وزیرای منتخب در آلا را خدمت موقع نموده بودند تحت ریاست پوهنوال داداکتر محمد عمر وردک رئیس اولسی چرمی بعد از اعلان تکمیل نصاب از طرفی شاغلی امیرمغشی مجلس تشکیل گردید

شاغلی مغشی: دو بهیشتی دکنه انانسر دجلسی دخروج اعلان وکادو نصاب د مجلس تکمیل دی.

شاغلی رئیس: دلوی خدای په نامه غولوه شروع کولو دکلاهی معتبر حکومت مؤظف در اطاق انتظار انتظار دارند اجازه میفرمایند بیا بنده

شاغلی مغشی: جلا لتمام شاغلی داولس چرمی رئیس جلا لتمام دکاتور عبد الظاهر مؤظف صدراعظم دولت معتبرمو دکلاهر شاغلی دمؤظف کابینه معتبرمرفی داداولس چرمی دین ورخی عمومی غولوه هو شیوی شکستی شروع شویده زمود نئی عمومی غولوه داولس چرمی د دبار لسی دوری ددهم کال ددهم اجلاس اولو ویشته عمومی غولوه ده معتبرمو دکیل صاحبانوا هکنکه چه داولس چرمی دتیری یکشنبه په عمومی غولوه کشر فاصله غوی دوجه مؤظف حکومت په ددوشنبه په ورخ یعنی دسرطان برهورار لسه نیته اولسی چرمی تدر اخی او مؤظف صدراعظم به نپیل د حکومت تکک لاری لولر ادد کابینه غری په اولسی چرمی تمعرفی کوی، او بیا په مؤظف حکومت داولس چرمی دنالار نه تشریف وری.

درون وطنوالو ابقین دی چه تاسی نلوسه لری چه هر هوک دخیل وکیل هرغ زر وادی، ولی دکویلا اودمباشی دنوبت دفرعی په شکل تدین شوی دی. و بهیشتی دلته می یولشی هم دا په زده شو، یوشاعر دای ۱۱ دلته د اقدم دلاوه به حساب دی ۱۱

شاغلی رئیس: داولس چرمی معتبرمو دکلاهر اوبنا غلردا کتو عبد الظاهر مؤظف صدراعظم دخیل فری یو اکتیک لاری چرمی کتو مرفی کوی، اسی اولسی چرمی داساسی قانون د(۸۹) مادی ددهمی تقری به مطابق په موضوع باندی بخت کوی، تر هر چه د مباحثی و وروسته په حکومت باندی دباور ورای په باب تصمیم ولسی.

وکلاهی معتبرمرفی شاغلی دکا کتو عبد الظاهر صدراعظم مؤظف اظهاردعظمش حکومت شوه اوابان چرمی عمومی نمودند اکتون اولسی چرمی مطابق فقره دوم ماده ۸۹ قانون اساسی مباحثه ادر موضوع آغاز می کنند. ثابته از مباحثه راجع برای اعتماد بر حکومت تصمیم بگیرند. اینککه اوبت سخن دانی از شاغلی معصه بوسلف پیش و کابل حوزه سوم شهر کابل است.

شاغلی محمد یوسف بیوش وکیل حوزه سوم شهر کابل: بسم الله الرحمن الرحیم

جلا لتمام رئیس اولسی چرمی دقلاهی معتبرمو صدراعظم مؤظف داعضای کابینه شان ملت ستمه بند، افغانستان باوجود نداشتن قدرت مالی و انگریزی عظیم در قسمت گرسنگی که درین اداشر اوس سعیدی شوه درا می بیاید بالذکرین لحظات پاسبینه کشاده دنگرانی عجیب متوجه سرفوش خود هستند که کابینه جدید با خطمشی و وعده های خود

بمنتظور خدمت ددیرا بر ملت بیچاره افغانستان عرض ادا فرموده دد امر دوز طبقات مختلفه مسکلت مادی حدس نر دیکه واقع منتظور

اندالای بلای زده دودا اعات و جریان خود را آرزو ملت خواهی و صدای بیچارگان و استماع مطالبه میجه که چورد اینجا اظهار بیان آن در جاهای دیگر متشریست از جانب کد ایدسته از دقلاهی شان دما بنده کان شا ادا راه میگر دد. برای



شاغلی محمد یوسف (بیوش): آنکه در این موضوع کسی متوجه

شو ایم ا د ضاع کتو ن جهان و واقیتهای که اکثریت مردم یاد یده دیا شنیده اند بصورت اشاره باید یاد کرد ا د ضاع کتو ن جهان بیان گران در اهمیت است که دلبای مو جوده دد عرصه نوبتی از مبادرات مردمان مستکش هله غار تکران با کله گفته ابرو فروشان مردمان ستم یده دستکش خواب قرمان در ا بان استعمار گردا بیاس مبدل اوده و برای آرزو از مردمان و کشور هاینکه قرمان درانی آنها ایدی تصور میشه موزده ایکو بیار آدر ده که هر گاه ملت و مردم دستکش هر چند هم ضعیف و قلیل د بیجا ده باشند با تکلیف بر دمی مرد می زما نیکه خواستند حرکت گفته بوغ بر دگی داسمه ماردا با تلاش های غشکی نابذیر و مبادرات بیکور خویش بدور می انگشند مثال های زده آن بیگانهای عادلانه هراب هله اسرائیل مستکبر، روشن فلسطینی ها حرکت دینامی ها د مثال آن که بحرانیهای ذاتی دمعضن اقتصادی دسبب کشورهای امیر بالیستی را پیش پیش برزاند. و آنها را در آستانه انقلاب اجتماعی داغلی شان قرار دارند. دلبای کهن و فر توت شاهد جنگها، شو نو یز بها و بددی ها، رفع حقوق همیشه بود. همیشه در بین نوده های مردمان سوزده از خودشان و خود از بیگانگان بمنتظور ابرو برداری های عظیم و دایمی های دست نهورده از قبیل معادن سالم دشن سخت و سخت تر مسالک عقب مانده بوده. امر د افغانستان عربی ببول رئیس جدید حکومت ددیک بهران اقتصادی و مشکل اجتماعی که در حال حاضر و نمودار است دمتوجه آن شده اند گرفتار می باشد درین فخله باید توجه نمود مسکلت ما که دارای نرونهای سرشار طبیعی و قدرتهای عظیم انسانی که تما بنده با در آن بیکاری طبقات عظیم ملت و مسئله کشت وکار و زمین های پر ارزش که دارای منافع بر اهمیت است ولی مع الاسف با ذممداد غرابی اوضاع اقتصادی با بودن منابع طبیعی و نیروی انسانی بزبان رسمی بیان میشود. راستی اگر دولت خود در این اواخر یعنی نیم قرلیکه مادامی داد اوجه دپیشرفت را

ښاغلی پیرک کارمل وکیل شهر کابل

شماره ۱ د پراه ۲۵ جولای

پیرک کارمل وکیل شهر کابل د دولتی جرگه په امانتدگي او سازمان سیاسي پر افتخار دموکراتیک خلق افغانستان این پېشاکه

داستین طبقه کارگر کتو، در میاشته داجه په اعتماد پر حکومت صدراعظم مؤظف دد کتور عبد الظاهر وخط مشی خدمت و د دموکراتیک شان په دفاع از حقوق و عرافت خلق و په الهای دشنان خلق میبر د اذ غیا انتباه ظلم ها دستگیری های



پیشادی را که هر مردم مادوا داشته اند بر ملا میسازد و در بر و ساد جرف میولیم

۶۲ سال قبل مشروطه خوانان اول، پرچم مبارزه داعلیه سلطنت مطلقه امپریالیسم، علیه دندگان امپریالیسم انگلیس و وحشیانه اختناق بر افراشته شد. آنان انقلابی بودند ریشه شده از فولاد ناب که چسود و بیپایه بپهره مرگه نگر بستند بکن ازین نور ما نان شهید معمه هشیا الهان پردای - قبل از ۱۹۱۸م در برابر امیر غشبناک با منطق گوینده فریاد داد «شکنجه مرگه ما چند لعظه ای بیش نیست دلی محاسبه ملت با عسا شکنجه ایست ایدی»

بگذارد بیاه خاطر تانهاک این شهدای دا آزادی، باردیگر پناه و لجهای عظیم خلق با قدرت های مطلقه حاکم یا حکومتی های جا بردولت افغانستان محاسبه کنیم

آدمان ما این دلاوران آزاده - ۶۲ سال قبل چه بود، آنان میهو استند دولت سلطنتی مطلقه دا بدولت مشروطه دیمو کراتیک تبدیل کنند استقلال کشور دا بدست آوردند نفوذ جاسوسان خارجی را از کشور طرد کنند، معاهده و قدرت لکام گسیخته اعضای خانواد سلطنتی، سرداران، دهباریان جا کرمنش، غلام بیگان، مصاحبان و جانیوسان خاین را دودمود سیاست و دولت افغانستان از میان بردارند دموکراسی حکومت قانون را برپای دارند ولی مستبدین و مرتجعین دربار به تحریک مزدوران انگلیس خائفا نه عنوان کرد که مشروطه خواهی و استقلال طلبی شرک و کفر است (قبال بحال عهد و کلا)

(ښاغلی رئیس وکیل صاحب سر موضوع نیاید لطفاً) به این سلاح آزادی بخوانان او وحشیانه به خون و آتش کشیده نه، درجا ایکه، آنان معاهدین

خدا پرست با ایمانی بود نه که در برابر نظام فاسد دولت از عدل و تقوای صدراعظم، از مقتضیات عصر از آزادی خلقهای مسلمان جداستند و در ملی از روحان، شریف شد، استبداد و استعمار وسیله دفاع و بقیای میگردند. در این مناقبین و همال از جناح امپریالیستی پرونده مستند که بالمرهای وحشیانه بطور کاذب دریا کارانه میان توده های دحمتکش مسلمان تفاق میانه اذنه و ظاهراً به بهانه دفاع از دین اسلام

لیکه در واقعیت بشاطر دشمنی علیه آزادی و استقلال، علیه دموکراسی و قرفی - هر انکس دهر آنچه را که وطن پرست و نرینخواه، ندمتگار خلق و انقلابیست برحسانه مورد تهمت دودغین قرار داده دمیهدند چنانچه ابعثت جوان دوره امپریالیسم الله شان غازی را یو بنام العاده و پیدایش از بین برداشته

(ښاغلی رئیس وکیل صاحب سر موضوع لطفاً گپ بنید وکیل صاحب ماهیگوید سر موضوع بیاید و سرخط مشی گپ بر بند) افغانستان را یک مرحله تاریخی و عقب انداختند و تا حال تکیه گاه هر بر طبقهات حاکم و حکومتی های جفاکار افغانستان را تشکیل داده اند دهم اکنون مذبح خانه تلاش میوزند تا آزاده دژمنه از لابی خلق ما دافج سازند، ولی دیگر این آزادهای بلید را با خود بگور خواهند برد

زیرا دیگر بیره های پیشو و خلق ما، مهادان بیشقازد لیر افغان این برجه را ن خلق افغانستان درفش بیکار د خلق داعلی از رطم مشکلات عظیم تر و دود هشت، حبس و زندان، دو مدفوق مقدم مبارزه علیه تمام جنایات طبقات حاکم علیه اجتماع و امیر با لوز، علیه تمام حکومت های دستگیر دولت افغانستان بر افراشته و آتش - بجان دشمنان قسم خورده خلق بر افروخته اند

حکومتی های دولت افغانستان بشمول حکومت صدراعظم مؤظف دد کتور عبد الظاهر همه به ناپندگی از طبقات حاکم مرتجع استعمارگر افغانستان (غافلان و کلا، ښاغلی رئیس وکیل صاحب لطفاً سر موضوع گپ بنید - سرخط مشی لطفاً گپ بنید) حلقه های سیاه بک سلسله اند که خلق کشور ما را برنجیر کشیده اند - به پنجت ماد و برابر تمام حکومتی های دولت افغانستان بی اعتباری سریع و قاطع خود را سر صفتا نه اعلام کرد ایم و بهکم آزاده خلق افغانستان به حکومت شما لیر الهای عید الظاهر دای اعتماد لیدهم - زیر اوضاع ملاکتیاد کثوئی کشور ما مبین اینده قیقت الحاد ناب بر است که حکومتی های افغانستان بنا بر ماهیت طبقاتی خود هرگز نمیتوانند مردم را نیکبندد مادا را فقر و ظلمت نجات دهند

این حقیقت در اصول مرامی ما، در صدها بیابانه و مبادرات پارلمانی و خارج پارلمانی ما، در نشرات جراید خلق و پرچم ما - در اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های ما - در صدها مایش و میننگک نظامرات و اجتماعات ما، در اجتماعات و کنفرانسهای مادر تبلیغات و مبادرات آنها پارلمانی ما در سراسر کشور عملاً پیشبینی و توضیح گردیده است. چنانکه با اصطلاح خط مشی باغلی عید الظاهر گواہ زنده است.

آقای عید الظاهر: برای يك وطن پرست دارد به مسائل ملی کافی است که در همان پرغور دول به وضاحت غصبت ایدولوژی بود و او امیر بالیستی خط مشی حکومت شما را تشخیص دهد. قسمت عده خط مشی شما که در آن اقرسواد سیاسی و تیوریک کاملاً نمایان است معنوی يك سلسله مبادرات مجرد بی ربط غیر عملی، برای مجامعه، دعا گری و ارزوهای فریبنده و سر آب مانند است که هیچگونه تضمین و بهبود اجرا ندارد و فاقد مطالبی در زمینه اصلاحات سیاسی آزادی‌های دموکراتیک تحول اقتصادی و اصلاحات اجتماعی و فرهنگی ترقی و رفاه عمومی مردم ما میباید که با به ازم آکئون مبارزه علیه آرایشگاهان آغاز کرد.

چاغلی صدر اعظم - مؤلف: آن عقیده شما از مرکز بطرف چپ چه شد؟ این خط مشی شما که از راست بجانب راست افراطی تأسف انگیز است در خط مشی گفته میشود «جامعه دموکراتیک ما» این دیگر صاف نیک و فریب خلق است. جامعه فتودالی را بنام جامعه دموکراتیک جازدن بی دانش معنی دلی‌های دزدان در دشمنان دموکراسی را پوشاندن و خاک زدن به چشم مردم است.

چاغلی صدر اعظم مؤلف: شما که میگویند شاید آخرین تیور قانون اساسی باشید و در قبال آن با زور سر نیزه تهدید و شانتاژ میکنید (دقیق در دوره ۱۶) اولی چیرگی ادعا میکردند که وجود فریکسیون مخالف چپ در پارلمان برای رشد دموکراسی ضروری است حالاً بشنوید: شما که طی پنج حکومت اخیر - وزیر - رئیس شورای ملی و نائب رئیس لویه جرگه معادن صدر اعظم، رئیس اولی جرگه و سفیر نیز بوده اید و اکنون با این خط مشی با دوهوا که بیشتر به يك عقاب عادی جراید حکومتی شماست دارد تا به خط مشی يك حکومت و بایدك عده و ذری فایده ماهیت دموکراتیک جدا از خلق مدعی حکومت به معروض ترین مظلوم تر بن و عسقب مسالده تر بن مردم جهان یعنی خلقهای افغانستان هستید دیگر با ما چنین ادوا کهنه دهکنجه دهنده دولت افغانستان از جان مردم فقیر ما چه میخواهید؟ آخر چه پوست دستخوان چیزی برای توده‌های بلاکشیده ما باقی نگذاشته اند و آنچه

داخند و ملباهاردها - ملباهاردها غارت کردند، دزدیده و برای دوز آینه در بانکهای دوستان امریکائی و انگلیسی خود تحویل دادند. مضحک است که در خط مشی گفته میشود «اجرات حکومت من ... در حدود توانائی مالی دولت خواهد بود» آقایان! دولت شما دیگر توانائی مالی ندارد در افلاس است و اصلاح واجب حساسی که با ازم در خط مشی «همکاری فعال کانه هموطنان» را توقع دارند!

در حالیکه سالانه بخش بزرگی از هوایه ناچیز دولت (بیت‌المال) را حیف و میل و اختلاس میکنند و باز هم ایسن ده ها سال است که ذمامداران دزیده دجا کر منش افغانستان با برومی میگویند دولت باید پول ندارد باید صبر کرد - آهسته آهسته همه کارها خوب میشود (۱) ای حقاران کهنه کار باز هم غارت و تحمیل میکنند ولی دیگر باید آگاه بود که افتاب شما بر لب با م رسیده - دور نیست که در دادگاه خلق در دوزخستان خیر علمی محاکمه و مجازات شود.

شما قدرت‌های حاکم - شما ذمامداران کشور - شما طبقات و محافل حاکم - شما ملاکان و سرمایه داران پرچم - شما اشراف فتودال - شما تاجران بیروکرات فاسد شما نمایندگان حاکم - شما حکومتی ما - اخریک حساب مردم به عید ده بیست سی اچهل سال قبل شما و پدران تان چه داخند - شما را بعد از آخر بگوئید این ملباهاردها ثروت از خون ملت فقیر ما را چگونه بدست آوردید و اهل بیس هم بحساب شما نمیرسد. آخر چرا وجدان‌های شما تنگان نیستند هم اکنون هزاران نفر هموطن ما حتی بفروش فرزندان شویش میبرند و ناسه تا لقبه نانی بدست آورند. گرسنگی و بیماری پگروه کرده مردم ما را کوردگان ما را بیکام مرگ فرود میسرد.

عاجینا بیان که بر کرسی‌های قدرت تکیه زده اید این داغ آنک است که هزاران نفر هموطن ما از فقر و بدبختی - از قحطی و قیستی به رژیم نظامگیر یا گشتان بناه میبرسد و در اجنا مجبور میگرددند بجهت سر بازان اجبر در سر کوبی انبسط بنگله دیش شرکت کنند و مردم بنگال شمارنده پنجای پتان بدمنند.

شرم آور است باز هم با ده سرانی میکنند و هوای فریبانه لاف خدمت به وطن میزنند.

حالت عده فقر قحطی و قیستی غله نظام فتودالی است که نوای سه گانه دولت حکومت - خودی و تقاضا در خدمت آست نه آنچه که در خط مشی بان سطحی بر خورد گردیده است.

باید این نظام فقر انگیز فتودالی را هر چه زود تر برانداخت و نیروهای نوپدی را از قید اسادت آزاد ساخت.

هم اکنون قریاد کرسنگان دهقانان دوسراسر کشور بالاست ولی با تهدید سرلیزه خاموش میگردد مرگ بر قدرت سر نهاده ای که بر روی مردم کشیده میشود.

دعواش و تنگین است که هنوز ملهون ما انسان کشور ما در شرایط رفتیاد ما قبل تاریخ- در شرایط فلاکتیاد قبیله دی و کوچیگری که در خط حسی از آن نامی هم برده شده است بسر میبرند هنوز پوشاک توده های فقیر ما پوست بز، وسیله کارشان چوب و سنگ، خوراک شان گیاه های وحشی خانه های شان دشمه های مرگ است.

آقای عبد الظاهر-

اینک نمونه نان ای که خوراک توده های فقیر ماست که مرگ از گیاه تلخ آلوده به جو است بشما اهدا میکنم بپایین ناپیوسته باز هم باور ندارید به کثرت ما- بدخشان- هزاره- جات- غوروات- پکتیا- لغمان- نوردستان- پنجشیر- فراه- نمرود و سایر ولایات کشور بروید و نتایج کار نامه های سیاه حکمفرمای تانرا مشاهده کنید. توده های عظیم دهقانان این نیردی عده چپش انقلابی کشور ساز چنگال آهنین قرضهای سود خودان- شتم و استثمار دشتیاره طبقه مالکین مالیاتهای سنگین- ببرد کراسی و اداره- فاسد محلی و مرکزی ظلم و جور دلی ما اولوالیها- غارتوال مسا و قاضی ما- پولیس و ژاندرماری شکنجه میکنند سدها هزار دهقان از زمینهای خود رانده شده اند و زمینهای آنها را مالیکین و زمامداران ظالم غصب کرده اند.

دهقانان قریاد میکنند- نان- آب- زمین- ولی نظمشی عبد الظاهر در باد ظالمانه سکوت میکنند.

دیگر راه نجات برای دهقانان نیست جز اینکه اصلاحات ارضی دموکراتیک بشود و شرکت همه دهقانان در زمینکش اجرا گردد.

طبقه کارگر کشور این سرکردة نهضت انقلابی، بورجوازیه استثمار میشود حداکثر کارگران بیش از پنجمه افغانی دستمزد ندارند در حالیکه تنها قیمت یک سیر آرد گندم تا (۱۶۰) الفانس در نوسان بوده است.

شما حکومتیای همیشه افغانستان- کارگران را از تمام حقوق دموکراتیک از تشکیل اتحادیه ها محروم ساختید در دفاع از چند سرمایه دارد لال و آمرین ظالم- نهضت های اعتصابی و تظاهرات کارگران کارخانجات جنگلک- کابل- گلپنجا- پهنسری- قندهار- مراد ننگرهار و مادرش ظفرامون کارگران شهرمان را پیرمیان سرکوب کردید. ما امروز کارگر را محروم از کار ساختید و عده ای از آنها را در خانه زندانها کردید.

رنج بیکاری- فقر و فقدان اطمینان بفرمای زندگی را برای خلق کارگر ما غیر قابل تحمل ساخته است کارگران کابل- افروزی دستمزد بهبود شرایط کار و اتحادیه های کارگری میخواهند کارگران در سازمانها شناخته شوند- آئینده از آن شصت از مشکلات نترسید- برجم نهضت کارگری کشور را شجاعانه سر بلند نگه دارید:

مرگ بر دشمنان طبقه کارگر!
شما حکومتها!

کسیه کاران بیشه و ران و دکانداران خود را فروش داد و شکست گردید- حقوق مامورین متقاعد نظامی و ملکی را زیر پا کردید در برابر نهضت ووشفکری اجم از شاگردان و محصلان معلمان و استادان مکتب ایسه ما دیو هنتون و مامورین بائین زنبه با تحقیر و خشونت معامله کردید و از ما تن از جوانان کشور را از حق کار و تحصیل محروم ساختید و از فرسنگ فتر دلی استعماری دفاع کردید.

حمله وحشیانه ژاندرم و پولیس علیه جوانان در (۳) هفتاب این دو جوانان افغان در ۲۹ و ۲۴ بود مخالفت علیه تشکیل اتحادیه دموکراتیک و ملی محصلان و اساتذم وطن پرستانه ان که در نتیجه

مبارزه متحدانه محصلان پرورد ۱۵ جوزا اعلان گردید، برخورد غیر قانونی و تشدد آمیز در مورد خواستهای شاگردان معارف و اهالی وطن پرست هرات و مراد- مینه و کنده هار- لغزنی و دیگر ولایات کشور همه مظاهری از سنگری و تجاوز و حقوق و آزادی های مردم وسیله شما حکومتیای افغان نشان است.

شاگردان محصلان سیستم تعلیمی مترق و تحصیلات عالی میخواهند این سرکرد حکومت وصال امیر بالوزم المان غرب در برابر مردم درجکشیده پکتیا بضموم درین ادراغ علیه شاگردان ایسه های گردیز و غوست مسکوم و نفرت انگیز است- تا جا ای که باعث تضاد میان پدران و پسران وطنپرست و تشدیدتفاق و تضاد مات میان فیاض سلطنتور پکتیا گردیده است- باید به حکومت نظامی در پکتیا خانه داده خود.

شما حکومتیای افغان نشان تمیضات مدهی اجم از سنی و شیعه و نژادی، قومی و قبیله وی، لسانی و فرهنگی محلی منطوقی داد و ممان غلغهای برادر پشتون، تاجیک، هزاره، این فرجستان های سنگش از یک، ترکمن بلوچ و غیره دامن مهربان، هم تفاق و تفرقه مپا عید حکومت میکنند- زبانهای از یکی، ترکمنی و بلوچی افغان نشان را محنتق ساختید.

د تکنیکهای اتفاق دنده دهرج دهرج میگردند دمانع عمده ددراء تطبیق آزادی های مصرح در قانون اساسی هستند حقوق آزادی های دموکراتیک مردم، کرامت و فضیلت انسانی را لکه کوب میکنند.

باید ددراء تطبیق آزادی های مصرح در قانون اساسی بیدریغ مبارزه کرد شما حکومتی ما در تبلیغات دروغینان، دیر و گرامیا دخط مشی بر اذیت و تکه دموام فریبا نه نان آزادی، عدالت ددمو کراسی دحاکمیت قانونی دم مهربان در حالیکه عملاً قانون جنگل در کشور حکمفرماست. طبقات حاکم و کما فتنگان شما چون گرگان درنده خوی بجان دمال مردم افتاده اند.

داسی منظور نان از این دمو کراسی چیست؟ آخر چرا مردم ما را گول میزند دپمو کراسی طبقاتی موجود در شما اصلاً وسیله مطالم و تاضوت و تاضوت برای مستبدین، مرتجعین و متنفذین معنی است که مشت نا چیز از ملت را تشکیل میدهد دواقع دمو کراسی طبقاتی موجود دمو کراسی سرود بریده جعلی دسا لوسانه ایست که برای توانگران در حکم سعادت و برای دنیبران و زمینکشان در حکم داس فریب است. به بقین که نود چندی های فاسد طبقات حاکم از هر گو نه آزادی نا دستبرد بجان دناموس مردم بر خود دارند.

آلبان صاحبان قدرت، جراثیم تشکیل مستقل احزاب، از انجابه های کارگران دهقانان و مصلان میترسید، چرا آزادی بیان، تظاهرات و اعتصابات میترسید، چرا از پیدای اتحاد و تشکیل خلق میترسید؟ معلوم است برای اینکه شما منحیت مامیت نان شد دموکراتیک ضد خلق استبد و امتیازات بزرگه طبقاتی و بقای شما را بسطاطرء مپاندد.

شما معائن حاکم تلاش میوزد که به مشابه کار یکا توری از سیاست ناکام رژیم حاکم ایران در رژیم خون آشام پاکستان میمون در تقلید کنید. باین معنی که غولهای انحصارات امپریالیستی امریکا، المان غرب جابان و انگلستان دحتی خود ایران و پاکستان را در کشور وسیعاً مسلط گردانید و به وسیله ایجاد احزاب دسودی و فرامان بردار حاکم از «دموکراسی» یک قیافه بسخ شد. و کاذب ترتیب دهید.

باید علیه احزاب جا کرمنش - ددراء دموکراسی واقعی - حقوق و آزادی های دپموکراتیک - آزادی مطبوعات ملی و مترقی - تشکیل مستقل احزاب دموکراتیک و وطن پرست - اجتماعات و سازما نهایی نود ای دلورانه مبارزه کرد.

باید داء تکامل فرهنگهای ملی و زبانهای افغانستان اهم از پشتو، دری ازبکی، ترکمنی، بلوچی، دویز، از طریق دموکراتیک مواد دستم ملی دپشه کن گردد.

هم اکنون تحت قدرت شما نود های عظم زبان نجیب افغانستان عملاً فاقد هر گونه حقوق دموکراتیک هستند و در تحت شتم و تبعیض وحشت در رود، دهب و ترس از تاجاع پسر مپبرند که شما صدراعظم مؤظف دخط مشی نان حتی جرئت تماس به آنرا نداشتید.

دستگاه پولیس و ضبط احوالات شما در تحت نفوذ سازمان های جاسوسی سی، ای، ای و المان غرب نفقتن و بیدار میکنند و شخ زاندهای نان فاجعه انگیز است. هر روز صدها نوطه دستبرد، تجاوز مشهود و پیشرفته بر آزادی های مصرح در قانون اساسی بر استقلال قوم قضایه، بر اعلامیه حقوق بشر که حوام فریبانه بان نموده سرده اید بعمل میوزد. در اندها بات شوری مستبدانه مدخله کردید. قانون شاد و دلپها، احزاب هر گه های ولایتی دامتوری ساختید با وجود اینکه دوکتور عبدالظاهر مذبحا نه تلاش و دزیده است که دخط مشی خود را شما میمون قانون دانود کند ولی اصلاً از تطبیق قوانین فوق‌العاده کردم نوده اسه.

چاغلی صدراعظم مؤظف، دخط مشی نان از انجابه، بی نظمی، اغلال، امنیت، خود سری، قانون شکنی، نفوذ به دستگاه امنیت، تعقیب عملی دنا مین اسمن و نظم فراوان حرف زد. اید دوری آنها بخصوص ناکید کرده اید. در اینجا لازم میافتد که به تمام دغلا و دوستان و تمام نیروهای تر فیض و وطن پرست هشدار باش و همیم که لیه نیز دهدف ازین کلمات نهید بد نهضت آزادی بعضی ملی کشور و سرکوبی آشکار، قسادت کارانه و دشمن پولیس آنست که بوسیله قانون گذاری ضد خلق و به پپا نه حاکمیت قانون بکا و برده خواهد شد لدا باید تمام نیروهای ملی و مترقی کشور نسبت به مردمت دیگر تفرقه میان خود را کنار بگذارند و در یک جبهه وسیع مبارزه فشرده با هم، متحد شوند و نقشه خود از تاجاع داغلی سازند. (بیرا اگر استعمال این کلمات و عبارات افلا بقرض دغلا از همین دموکراسی سوری و قانون اساسی هم میبود باید این دسته با اصطلاح سرداران قانون اساسی دخط مشی خود سر پها واضح میسا ختنه که دشمن نظم و امن ها مه دشمن آزادی و ترقی و ملت و وطن معاف از تاجاع سیاه داخلی، متنفذ بین محلی، فتنه انگیزان، قیامتهای تخریبکارانه امپریالیستی و در مرکز آن اداره فاسد دولت و نظام فرتوت فتودالی و قبیلوی است که موجب خود سریها قانون شکنی ها، اغلالگریها، انار شگریها، تهر بکات

هموطنان!

باید توجه داشت حکومتها بیکه در وضع کنونی بوجود میآید مراد
تضادهای و سبب قدرت طلبیهای جناحهای مختلف معانی حاکم
بوده و وسیله فریبده و زجر دهنده پیش نیستند و نفوذ و مداخله قدرتهای
امریکایی در آنها مشهود است
دستهای مداخله گران خارجی از امور داخلی کشور ما کوتاه

معاملات مرجع حاکم و محمل افغانستان بوسیله تحریرات ارتجاع
سیاه افراطی قصد دشت افکنی و اخلاصگری میکنند تا بپایان برای
از بین بردن کامل آزادیهای مصرح در قانون اساسی سرکوبی
خوین نهضت و مایه بیخوش ملی بدست آورند و بی پرده و آشکارا
دکترین توری فردی و حکومت و مشایخ افغانی را استحکام بخشند
باید پندیری ارتجاع سیاه افراطی را چندی گرفت. باید به عقیدای
را از دست داد. باید جبهه وسیع از متورین وطن پرست راهب
این دشمن عمده خلق تشکیل داد تا برای امان مردم کویید.

شما حکومتهای افغانستان را در جلوه گیری از صنعتی
ساختن کشور در حفظ و تقویه مناسبات فئودالی، زانگی هلاکتبار
قبیله و کوچیگری، نظام فرسوده و ظالمانه مالپائی - تجارت
درهای بازرگانی تاجران و انحصارات خارجی مرتکب شدهاید که
در نتیجه آن اکنون افغانستان عقب مانده ترین کشور جهان است.
هیئت حاکمه افغانستان درک کرده که بدو یک تکلیف گاه
دیگر طبقاتی ممکن نیست بقدرت و سلطه خود ادامه دهد بدینجهت
در پالیسی اقتصادی حکومتها گرایش جدیدی برای تقویت سرمایه
داری بزرگ کراتیک و کمپرادوری و فوهای انحصارات خارجی در
کشور هویدا است.

درون امتیازات و تضمینهای فزادان و بالاتر از قانون اساسی
برای سرمایه داران داخلی و خارجی در قانون سرمایه گذاری خصوصی
داخلی و خارجی در قانون سیاه با تکلیف صنعتی که در دوره حکومت
جناحی اعتمادی روی فشار وسیع در جریان افتاد همه مبین سیاست
ضد ملی دولت افغانستان بظاهر ایجاد تکلیف گاه جدید و نفوذ روز
افزون استثمار نوین است.

بدینجهت بی ادبانه طلبت که شما جناحی عمده الظاهر بر زمینای تمسب
جاده سرمایه داری که به وال استریت میآید در سطح ملی توان
قویا راه را برای نفوذ و سلطه انحصارات خارجی امریکایی زبر نام
سرمایه گذاری خصوصی خارجی به قیمت تهریب سنگین عامه اقتصاد
رسمی و حلقاً باز کردهاید و بصورت فریبده یکی از عوامل فقر مالی
دولت و مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور را بقلط و ناخیا ته نتیجه

کلیکها و فرقههای تهریب و مصادره در ساختمان زبر بنای اقتصادی
کشور دانستهاید اگر اندکی مصالح ملی در نظر میبود باید میان -
کلیکهای مساعد و تهریبش که به دفع ایجاد اقتصاد ملی کشور میآید
از یکسو و فرقههای اسارت اور و استثماراری مانند سرمایه گذاری
های اقتصاد غیر مقلید در پروژههای بزرگ ملی سرود وادی همانند
پرق ما هیبر و میدان هوایی قندهار از سوی دیگر خط روشن ملی میکشیدید
اگر یک سنجش وطن پرستانه و بیطرفانه و وجود میداشت نتایج
میدادید که تنها یک قلم حاصل فروش گاو زبش عمده ای از کمکیها
و فرقههای مساعد تهریبش طولی الهمت را که در هرصه ساختمان
زبر بنای اقتصادی کشور ما صورت گرفته تکافو میکرد.

ازینجاست که نظریات ناقص ضد ملی اقتصادی شما در خط مشی
هینا نقیب نظریات مشاوران اقتصادی کشورهای امریکایی و سازمان
های مالی آنهاست که ساختمان زبر بنای اقتصادی کشور را اقتصاد آغیر
مفید اعلان کرده اند تا به بنتریب در راه برای استثمار بوسیله ملیو راههای
امریکائی - جرمنی جاپانی انگلیسی و غیره در کشور مموار سازند.
اقای عمده الظاهر شما بقلط دیدن قیمت اقلیای علم اقتصاد و جامعه
شناسی موادده گانه مندرج در خط مشی ۱۱ عامل دولت مشکلات
اقتصادی و اجتماعی فقر مالی دولت و عدم سرعت رشد اقتصادی
کشور دانلود کرده اید در حالیکه این مواد برای مایک سنده نشا
گری و اعتراف و محکومیت تمام حکومتهای افغانستان است ولی
حلقاً آنها را معلول اسفند نه علت وها مل عقب مانده گی و مشکلات
عظیم کشور ما حلقاً فرسوده و ظالمانه اقتصادی - اجتماعی
امریکایی و دولت افغانستان است.

آقای عمده الظاهر شما با این خط مشی توان بدو اینک راههای
حل علمی و اساسی فقر اقتصادی تقویه مالی دولت و ایجاد یک اقتصاد
ملی را نشان دهید بسیار ماهرانه از لحاظ ظاهر و لوژی در موضوع
دماغ از عوامل اساسی عقب مانده گی کشور یعنی ملاکان بزرگ
سرمایه داران بزرگ را بیسته به اجیر یا اجور و استثمار نوین این
دشمنان ترقی و پیشرفت افغانستان قرار گرفته اید و اگر ای همه
و ظالیف عظیم کشور را صرفا حواله به وضع قوانین کرده اید این
دیگر هریان است باید خاطر نشان ساخت که ما دلالت نوین
و دموکراتیک ترین اقتصادی هم نمیتواند بدون یک دولت دموکراتیک
بدون حاکمیت خلق بدون تحولات اساسی دینا دی اجتماعی و
اقتصادی بصورت مجرد حاکمیت خود را در یک کشور تحت شرایط
فرون دستاوی - مثل افغانستان تضمین کند پس معلوم است قوانین

اقتصادی و مالی را که شما خوان آن هستید بر ای حفظ مناقع طبقات اجتماعی است نه به نفع خلق لذا باید در پراپرچین حاکمیت قانون که مظهر حاکمیت دوزمنه ان مراجع است بی امان مبارزه کرد بازم باید خاطر نشان ساخت گفتار ما باین معنی است که ما طرفدار حاکمیت و وضع قانون نیستیم ما جدا طرفدار وضع و حاکمیت قانون هستیم ولی حاکمیت قانون دموکراتیک و نفع توده های مردم افغانستان، پیشگام مردم افغانان - تا ان اعلام میپردازم که کندهی دغدغه اقتصادی فقر و قحطی و قیامت کونی عمدتاً ناشی از سیاست قاطع ضد ملی دولت افغانستان به جهت سرمایه داری کمپرا دوری یعنی سرمایه داری دایست به امپریالیزم و تقویه تشبثات خصوصی داخلی و خارجی تضعیف و نام کردن سکتور عامه اقتصاد تسلیم شدن به نظریات و نفوذ مشاوران اقتصادی کشور های - غیر بی مسائلی آئی دی و کسرب نیتن امریکائی هندو کین آلمانی ، سندوق بولی بین المللی ، بانک جهانی و آسیائی میباشد که در آن طی چند سال اخیر قیمت های صومالی در حدود (۲۰۰) فیصد افزایش یافته و ارزش افغانی فوق العاده باین آمده است ، قیمت گندم طی دو سال اخیر (۶) تنش مرتبه بالا رفته است ۵۰ فیصد آتشکند شده تناسب ۹۲ فیصد افزایش نفوس یرنگاه فقر و عقب ماندگی کشور ما را عمیقتر ساخته است .

هوایه ملی ما پست ترین هوایه ملی جهان است - امپریالیستها از طریق حدود سرمایه و اموال در کشور ما و تجارت نابرابر شبهه بازی با قیمت ها و مظنه اسعار ، فرشه های اسارت آورد و اعمال فشار از جانب سازمانهای مالی بین المللی ، گنگه به معالجات اجتماعی و بمبازات آن قاچاقبری و لغات اشکاف زمامدوران دوزمندان تجارت دلالی از طریق بانکها یا کشورهای سرمایه داری فساد در افغانستان بانک اغتلاص و فرخود سرمایه ملیاد ما افغانی بغضاب ملت همه در یک جبهه سیاه اقتصادی دست بهم داده عامل و باعث استعمار و حشیانه توده های ملیونی ما ، فقر و کود و مشکلات اقتصادی مالی کشور ما در تاراج معادل ملیادها مال - برابر به بیش از صد سال هوایه ملی دولت و چهارل تردنهای ملی ما گردیده اند -

اینک خطمشن حکومت موظف در تمام این عرصه های بازم بهرحمانه سکوت کرده است -

چاهلی دو کورد عیدالظاهر ، راه خطمشن شما را هیست پراژ تلج دهاد برای مردم ما راه نجات درین عرصه دایست که باید بانکها

و تجارت خارجی ملی گردد سکتور عامه اقتصاد تقوی به خود کشور ضمتی گردد .

دولتی های خادنگران بیث المال و دزدان تردنهای ملی کشور بشود خوانان زمین خوانان و خائفین بملت باید مصادره و ملی گردد تمام انحصارات و تاجران خارجی از کشور طرد گردد .

ماجراینگه بهترین همه ترین دجایی ترین مسأله کشور ما در پیشرفت سریع اقتصادی تشکیل میدهد که در قلمر و دویتهای دولت افغانستان مانع شده است .

حکومتهای افغانستان در هر سه سیاست خارجی غالباً سیاست توازن ، مامله گری و سازش با رژیم های ارتجاعی را بجای سیاست بیطرفی فعال و مثبت به حساب آورده اند از جمله خدمت ملی تراینگه در متن چابیی پشتو و دری غلط مشی کزونی چاهلی عیدالظاهر حدافل اصطلاح سیاست بیطرفی مثبت و فعال نیز برای اولین مرتبه و تصدای بیباکانه و طعنا خلق گردیده بود که در اثر صدای اعتراض من بالشویش و قاتل دایمی .

خاص ، با کرامیت خاطر و بدون اعتقاد به آن مصنوعاً و ظاهراً در فی المجلس اصطلاح سیاست بیطرفی فعال و مثبت در دخط مشی اصلاح

و علاوه کردند ولی دیگر سوئی اند اند نقشه اند پنه دوری سیاست خارجی شان در زمینه آشکاف کردیده است - و اگر چنین نیست موجب آذاست که خطوط حیاتی ترین براسیبت سیاست خارجی افغانستان که مظهر اراده تاریخی و صلحجو یانه مردم افغانستان است همال و فراموش میشود و ادجای می افتد (۱) .

همچنان بکاد بردن بچرد اصطلاح قضات آزادی ، از نظر سیاسی میتواند سازش با برده های جنگ ، تجار و امیر با ایزم و در داس آن امیر با ایزم

امریکائی این زمانه از بین المللی ، خدمت علیه یورد های صلح ، آزادی و ترقی در جهان تعریف و توجیه گردد اگر چنین نسبت افلا چرا در دخط مشی اشاره ای هم به کنفرانس های بانک ونگ ، بلگراد ، قاهره و لوساکا نشده است ، و صرفاً بسا بک تل کسر سطحی در مسأله پشتو استان و شرق میانه و دیگر تمام مسائل جدی جهانی ، نهضت های آزادی بخشی ملی خلقهای آسیا - افریقا ، امریکای ، لاتین و منطقه درابط با کشورهای همجوار - همه از نظر انداخته شده است .

سیاست دولت افغانستان در مسأله ملی پشتو استان و بلوچستان (۱) ابتدای - نیز به قیام قاره عید بزرگه - تا کنون ارتجاعی - هوامقرب بیانه

د ناکام بودا است - و بشپړه ادا نه استمدای - ظاهر آه بنام پښوستان
ول د حقوقت به خاطر حکیم ارتجاع لیبلی و د نئو دالی د دای نظری
و آن طرف خط استمدای دیو دغه عمل شده است.

سکون حکومت اعتمادی و حکومت مؤلف عهد الظاهر در خط مشی
وی - دد بر ابرسیاست نرود و آه کشی داغختان در زیر نظام سکر اسلام آباد،
این نما بند - مشی از سرما به د ایران - سکر پنجابی علیه خلق پښوستان
د بلوچستان و بنگله دیش دهم گر اتن ملا نه په مسأله مهاجرین
بنگالی - دد واقع بک چین سیاسی سازش با معافل حا کم پنجابی
است که هدف همد آه جو حفظ قدرت حا کم و ترس از اعتلای جنبش
انقلابی معنده خلقهای برادر پښوستان و بلوچستان و خلقهای
افغانستان چیردیگری تلقی شده نمیتواند.

اکنون د بگر وضع سابق منطقه بخصوص از لحاظ مسأله
پښوستان و بلوچستان تغییر کرده است. اید با لوزی پاکستان
د د بر وال است - با پد د بر ابر اوضاع و احوال
چندین د منطقه د موج نوین جنبش د مساوی بخش خلقهای
پښوستان و بلوچستان و افغانستان د مساوی خط تحریری استمدای
درو به مساوی دیو دغه - بادقت دغه جا اید، وطن پرستانه و خلاق
برخورد کرد و در زمینه هجاها نه خط مشی نوین انقلابی اتخاذ نمود
د مساویکه - مساوی حقوق خلق بزرگ چین داد و ملل متحد اصولاً
پشتونپناهی میکنند و آنرا به نفع صلاح می بندد ایم، وطن پرستانه
همجواری میان افغانستان و چین هستیم و لی آنچه بیشتر باعث
پیش و های ملی د مترقی میگردد - موضوع گیری غیر اصولی شود بزم
حظت طلبانه چین و ما د پنهانی شعله افروز، د منطقه د بنگله و پیش
است که علیرا رقم داد خلق د متکشف چین از یکسو عملاً بنفع قوای
ارتجاعی منطقه و امپریالیزم میانجامد د صلح منطقه، د تهدید میکنند -
و ازسوی دیگر علیه اید پنهانی آزادی بخش ملی افغانستان - پښوستان
و بلوچستان - پاکستان د تمام کنود های منطقه متوجه میباشد
با یواگام بود - هر گاه خلق مبارز پښوستان و بلوچستان امکانات
مسائلت آمیز مبارزه د با خاطر آزادی ملی و اجتماع از دست بدهند،
راه دیگری را انتخاب خواهند کرد که در بک چپه و وسیع ملی از
پشتیبانی ییید ریح خلقهای فرمان افغانستان برخوردار خواهند بود
میگویند که بو تو این محرک کشتار و حشیانه صد ها هزار
مسلمان پاکستان دشمن پښون هارز کابل بدن میکنند - اخطار به
حکومت افغانستان د یو توی قاتل این عامل امپریالیزم - د قاصد جنرال
های خون آلود اسلام آباد که با عکس العمل های شدید مردم ما چون
اکتیو قاصد امپریالیزم د و بر رو اهد شده

دست خولین جنرال های فاشیت پنجابی از پښوستان و بلوچستان
و بنگله دیش کوتاه، پیر و زیاد نهضت از دای بخش ملی و اجتماع
خلقهای افغانستان، پښوستان و بلوچستان د بک چپه وسیع شد
ارتجاع و امپریالیزم
داستی کتاب انقلاب سیه د ابراهان داخوانده - باشند - که میگویند:
«چطور روزی شاه - سلطان حسین صفوی در با نهضت خودش بدست
هک پشد دزد قافله زن معاصر - میشد.»

ملاحظه کنید: «بک مشت دزد قافله زن» که منظورش افغانهاست
شرم بر عیثات حا که افغانستان که بازم داد از غر و دملی و وطن خواهی
میزند و بار ذیم حا کم و سازمان جاسوس ساواک ایران علیه نهضت های
آزادی بخش خلقهای برادر د و کشور افغانستان و ایران که د پشه های
مشترک تاریخی دادند، دزد و بنده های شخصی سیاسی اند - بر خورد
تسلیم طلبانه - دوزمین آه هلینر در بر ابراشان از امپریالیزم امریکا
و تهدید نظامی دولت ایران و پشد دشتن مبارزه د افغانی و د محدود
۲۰۰ میلیون دالر د پروژة وادی هلینر، مهاجرت د - ما هزار د مطران ما
به ایران، موضوع گیری سازشکارانه د برابر بیکتهای سنو و سجاتو
دگر شه بازی ما با آراسی ایدی همه مبین سیاست گراش و ضد ملی
د دولت افغانستان است

ما بیعت وطن پرست ترین فرزندان افغانستان - خاطر اشان میسازیم
که ارتجاع دست افراطی و شمله افروزان چپ افراطی، که حتی از
استعمال کودگان معصوم و غرد سال مانیز برای مقاصد ذشت و قوم خود
شرم ندارند، هلاک دوزیر لوی اتن سو و بنوم د بک چپه با جناح دست
مخالف حا کم و سازمان های جاسوسی داخلی و خارجی د د تقنین و توطئه اند
تا در ابط ایک د حسن همجواری افغانستان د اتحاد شوروی دای خود
ارتجاع و امپریالیزم د خود نیز بهم یزاند و تمام تربیش کمکهای
اقتصادی و تکنیکی بدون قید و شرط و سهل اتحاد شوروی داکه در پیش
از عقاب بردزه حتمی ددهنی، د فرهنگ دزیر بنای اقتصادی ملی ما
صورت گرفته د تقریباً به (۶۰) میلیارد افغانی معادل به بیست ساه هواند
حقیقی دولت به اعتبار سال (۱۹۶۹) - میرسد د با قرضه های استثنای
کشورهای امپریالیستی قابل مقایسه بود - نمیتواند به نام د تخریب کننده
د قاصد امانع بزرگی در د راه د و ایجاد اقتصاد ملی کشور بوجود آورده -
ما بدون اینکه کوچکترین بیم و ترس از اتهامات دروغین د ناسردانه
مفتریان فرودمانه و تهر بک اغوا گران د توطئه د مشت انگنان داشته باشیم
بهیث بر شود ترین وطن پرستان سرشاد از غر و د ملی به پیشگاه مردم
حق پرست خود بیان میداریم که میزان دوستی و دشمنی ما - د برابر
کشورهای خارجی بر اساس صلح و آزادی د جهان استقلال و مصالح
عمومی خلق و وطن مان افغانستان محبوب بنا یافته است -

بر با این اصول وطن پرستانه است که میگوئیم: با پد از توسعه
د تحکیم مناسبات ارد بک افغان - شوروی صریحاً دفاع د پشتیبانی کرد
د د برابر تمام دستیاران مرتجع خارجی و کما لیکه و طنز اهی د
بصورت هوافر بیانه، مجرد د دجا نوب احساسات و منافع تنگ نظرانه
طبقاتی داید لولای خود تبلیغ میکنند د مناسبات تریش مردم و کشور
مستقل همجواری د ضد منافع ملی افغانستان جلوه می دهند از اید لیزم
د سر مایه داری دفاع میکنند هجاها نه مقاومت کرد و برده از چهره

شیطان آنها دور افکنده، تارلتانی، ددوخ و کذب شاهرا دربار
افشا و بر ملا ساخت. زیرا حقایق روشن و ارقام گویا نشان میدهد که
دروابط دود یک و صلحجویانه و دو ستانه افغانستان و اتحاد شوروی
کاملاً به نفع مردم وطن ما بصالح استقلال و ترقی کشور ما
مطابق است.

شیانغلی دکتور عقیده اظهار: این چگونگی سیاست بیطرفی مثبت
و فعال و فشارت آزاد است که نه حکومتهای سلف شیوه خود شمار
خط مشی شان ابراز داشته اند که این امر با لیزم و دد داس آن
امپریالیزم امریکاست که تجاوزکار و جنگ طلب است به دستگیری
بر بسیاری خلقهای جهان بشمول خلقهای شریف و سیاه پوستان امریکا
ادامه میدهد، و کماکان منبع تهدید برای امر صلح و ترقی اجتماعی
است، باعث خونریزی و دو پیمان و دیگر کشورهای هغه چین میگردد،

اسرائیل در علیه خلقهای عرب پیشیها میبندد. این چگونگی تضاد آزاد
است در حالیکه ده ها میلیون خلق کارگر نجیب امریکا علیه امپریالیزم
امریکا عکس العملی نشان میدهد و اسناد سری فوجایع پیمان گون در
افشا میکنند ولی سیاست تضاد آزاد حکومت مؤلف افغانستان در
یاد سیاست تجاوز کارانه امپریالیزم امریکادرسکوت محض است.
دولت افغانستان از یکسو از ایجاد روابط با جمهوریهای
دموکراتیک و نو ده ای آلمان، کوبیا، ویتنام و کوریا اجتناب میکند
و از سوی دیگر در نزدیکی ایجاد پیمانهای آید لوژیکی با رژیمهای
مرتجع و وابسته به امپریالیزم تلاش میوزد.

سیاست بیطرفی فعال و مثبت و تضاد آزاد اینست که دلیرانه
شمار دهیم:

- اسرائیل باید خاکهای اشغالی اعراب را ترک گوید
- حقوق مهاجرین عرب فلسطین باید اعاده گردد
- مرکز بر امپریالیزم امریکاکه اسرائیل اشغالگر را توجیه میکند
- بیروز با نیردهای مقاومت فلسطین
- زند و یاد دوستی خلق افغانستان و خلقهای عرب در مبارزه علیه
امپریالیزم و صهیونیزم
- استقلال، آزادی و صلح برای ویتنام قهرمان
- امریکائیها از ویتنام خارج شوند
- دولتی جام:

خلقهای افغانستان با تمام خلقهای جهان در مبارزات مشترک در معرض

دویمتری علیه نیروی انجماع و امپریالیسم در اتحاد
و دوستی بسیار همه ایسری وی کیسیرر همسایر مسسا
(سیتم جهان سوسیالیزم طبقه کارگر بین المللی و جنبش
دعای پیش ملی)
بهاطر صلح استقلال ملی، ترقی دموکراسی و سوسیالیزم متحد شوند

اکنون سوال حیاتی و عمده: - در نجات خلقهای کشور ما از
ستم و استعمار طبقاتی و یوغ ستم ملی و اجتماعی که ۲۱ است - وظایف
مبارزه ما در چیست؟

با مبارزات فشرده اعلام میدادیم که در نهایت امر نقطه آشنای
مبارزه ما در لایه خلق ما مبارزات است از انتقال قدرت حاکم و گرفتن
حکومت شوروی و تضاد دست طبقات اجتماعی ما کم، بوسیله طبقات و
نشرهای دموکراتیک خلق افغانستان به دموکری طبقه کارگر و پیش
اهدنگ آن زیر احکام آمرانه تاریخ است که باید قدرت سیاسی و
اقتصادی ملاکان و سرمایه داران و نفوذ امپریالیزم از کشور برداشته
و نسبت انقلاب دموکراتیک و سپس تحول سوسیالیستی را به انجام رساند.

مردم افغانها به
باز هم نام سوسیالیزم - که نفوذ و دراز کردن میان خلقهای
مسلمان جهان کسب میکند آتش در جان دشمنان خلق میانه اندازد و آثار
مزدورانه، جا جلانه و فتنه گرانه علیه دین اسلام و خلقهای مسلمان
قرار میدهد.

از آنجا بیکه محتوی اساسی دوران ما در - انتقال از سرمایه
داری به سوسیالیزم تشکیل میدهد لازم میآید که حقیقت راه سوسیالیزم
را بصورت عامه فهم روشن کرده ایم:

مردم افغانها! سوسیالیزم که هدف غائی ماست در - نتایج پیش است که
: تمام خلقهای دیر منزل آزادی و خوشبختی، عدالت و معنویات عالی
میرساند آزادی انجام مرا سوده می باشد بر سمیتمی شناسه به عقاید پیش
اجتناب میکند از زن و خانواده را محترم میبشمارد، خصوصیات و سنن
ملی را رعایت میکند حق مالکیت شخصی بر عهده دستراج افراد و حق
وراثت ناشی از آزار بوسیله قانون حفظ مینماید طی زمان کوتاه
کشور را صنعتی میسازد، به دستگیری ملی و استعمار انسان از انسان
پایان میدهد بیکاری قطعی قیض فقر، بیماری، بیسوادی، و بهران
های اقتصادی را کاملاً از بین میبرد، صحت و معارف را برای همگان
تأمین مینماید، به دهقانان زمین آب و نمان میدهد، سطح عالی زندگی
مادی و معنوی را برای طبقه کارگر فراهم کرده و همه مردم را تامین میکند
خلق را از ظلمت و جهل بیرون میکند، علم و تکنیک را ترقی میدهد، جامعه
فرینی میسازد که در آن نه ترسند باشد نه فقیر، نه ظالم باشد و نه
مظلوم، همه باید کار کنند و از خدمت خود کار اجتماعی استفاده کنند
نه اینکه مشت فلیلی از ملاکان سرمایه داران، نامداران و بیواکراتهای
ستیکر در شوه شود. بسایر هیچ و جذب خون ملیونها فقر و ترسند شوند
و در کرسیهای قدرت دولت تکیه زنند. ولی برای رسیدن به این مرحله
تاریخی وظیفه ماست تا در ۱۰ انجام بگیر انقلاب دموکراتیک
شدت و دالی و ضد امپریالیستی، در راه ایجاد جامعه متحد دموکراتیک

ملی دولت د موکراتیک ملی از طریق تکامل مترقی غیر سر مایه
دوای میدان میا دره کښم .

در خاتمه خلق را چه بیه افغانستان ا نهاییه به زمانه ایران
وحکومت سوسیالی که دوی فساد ، خرابی از ا ز a

خاتمین به ملت را سرنگون ساخت
عظم مقدس خلق ، ششم انقلابی ایرومندی در جامعه ما ذخیره است
با به برای رسیدن به این ارمانهای عالی خلق مبارزه بیکبار جنگی
و همبستگی سازمان واحد سر تا سر ی طبقه کارگر افغانستان را تحت
پرچم سازمان واحد دیموکراتیک خلق افغانستان بیشتر و با اهر بیشتر
تعمیم بشود . ما از صمیم قلب با تمام نیروی ملی و وطنپرست
دیموکراتیک و ترغیبخواه در جوکات اصول و در نهان ملت را در تمام
مشترک خلق دشمنان مشترک طالب اتحاد و وحدت هستیم .

با به تفرقه جوئی خاتمه داد
با به ادراکهای تشریحی دیموکراتیک خلق افغانستان - چرا به خلق
در پرچم خلق که خلاق قانون قید شده اند آزاد گردند .
با به دلداریان سیاسی از جیب رما شوند .
ر قضا : پرچم ایران بیکارجوی دموکراتیک خلق افغانستان بشعنا
هشبار با ش می دهیم که دشمنان داخلی و خارجی ما فوق العاده فتنه -

انگیزه حمله گردید ویرانه و شهادت و وطنپرست ترین آهنگی نا پذیر -
ترین انقلابی ترین دموکراتیک ترین نیروی سیاسی کشور تشهیر داد .
اقد دولت سبأ گرفته اند و با تمام قدرت تلاش میورزند که در
مرحله اول در صفوف شما تفرقه و بی اعتمادی ایجاد کنند ، نیروهای
شما را در درون منفرجه سازند و راه مبارزه شما را به بیست پرچم ایران
و بیست آهنگ نهفت انقلابی خلق افغانستان فلج سازند و در نجاست که
با به با هشباری و شجاعت و اصولیت در صفوفتان بر خود کتید و علیه
هر گونه انحرافات چه و است بر زمین عمل دشمنی را در میان خود
را ، تدمید وحدت و همبستگی تاراج چون مرد مک چشم خود حفظ کتید
ایدیولوژی علمی و سازمان تانرا پاک و منزه نگه دارید دشمنان تان
ظاهراً ایرومندی محکوم بزدل است چون دلادوران پیشنازه به پیش رویه
برنج های خلق بیانه بشید و بوطن عشق بودید جان های ما در راه خدمت
بوطن افغانستان پرافتخار و خوشبختی خلق گرانایه ما و نایب باد .

خلق کارگر کشور جوانان وطنپرست را در مرکزهای وطن که
هسته مبارزه و فعالیت در نهان شرکت کتید از تسلیم طلبی و ماجرا
جوئی هر دو اجتناب کنید و به استناد قانون اساسی مبارزه را در دفاع
از آزادی سیاسی مصرح در قضا اساسی مسوونان سیاسی
(غالباً عدو و کلا) ضاغلی رئیس گفت و وکیل صاحب ناسو بیهله تصویر
گنی بدی چه هر غموره شهری گوی تصویر موجوده .

علیه تسلیم ، و قبیله علیه مستکبرین و سر خودان در هو و خواران ، علیه
فلقم و استعمار و حشابه سلاکین و کارفرمایان ، علیه تاجران بزرگ
دلال و ماموران - تنگبر ، علیه مظام حکومت (ضاغلی رئیس وکیل صاحب
ختم کتید لطفاً) و ادار فاسد و شکنجه دهنده دولت علیه تمام اقوام
و اعمال ضد خلق و ضد دموکراتیک - سازمان دهیم .
شهادت و تمام قرضهای سر سود قاحش دهقانان ، وضع و اجرای
قوانین مترقی گانه ، دهقانی و جاده داری ، مایه مترقی و مستقیم نفع
مردم ، شمار حق کار ، حق تحصیل ، نان ، آب و زمین را هر چه رسا تر و رسا تر
سازید ا لربا تانرا بیشتر بلند تر کتید ؛ مبارزه هرگز و زنده گیت
حق داده نمیشود . حق گرفته میشود ؛ مبارزه علیه سرانجین - مستبدین
خاتمین و هاملین دشمن بر حق است .

اکنون در کشور ما ایرد طبقاتی و جنگی بین کهنه و نو ، حق و باطل
ترقی و ارتجاع آزادی و استبداد و عکس العمل مردم علیه حکومت
هودی و قضا عتقا و آخرا بقاء کسی به واحد با خود ا هدا نهفت
انقلابی کشور ما تهر ا و جیرا شد می کند .

در اخیر بگذارد از تمام ایرود های وطنپرست و ترغیبخواه کشور در یک
سنگر بیکار عادلانه منته شوند در پیوند با خلق و در خدمت خلق ایرودند
ترشد کنند ، قدم بقدم ، موج ب موج از یک پیروزی به پیروزی دیگر
به پیش روند و سرانجام به رزاستبه ا و در تجاع فتودانی دامیر یا لسنی این
دشمنان عدو خلق کشور ما تهرمانا به یوش بر نه و ا نه ا در اسرا کون سازند .
بگذارد بر جم کبیر مبارزه ، به خاطر ایجا و افغانستان ، افغانستان نوین ،
افغانستان مقتدر و واحد که در آن نه تر و نه باشد رنه فقیر نه ظالم باشد
و نه مظلوم و در اعتزاز در آید . وحدت و همبستگی خلقهای برادر کشور ما ،
ضامن پیروزی آینه ماست . - زنده باد خلق افغانستان .

زنده باد سازمان سیاسی دموکراتیک خلق افغانستان این وسیله
ترین سازمان پیش آهنگ و زنده طبقه کارگر و تمام خلق کشور را
از آفرینی لازم ایجا ترسید ؛ بهیواس و با هوز را بخ تحت پرچم
ظفر آفرین خلق ، تحت پرچم الهیته های بیشتر و مصرحاً به پیش ا
پیروزی حتماً از آن خلق ماست ا

بناغلی رئیس : ضاغلی سید آقا دنگر ما در لایحه دود با وکیل صاحب
(صدای اعتراض قانونی)

بناغلی عبدالقیوم وکیل پنجشیر : بسم الله الرحمن الرحيم
با اجازه بناغلی رئیس وکلای محترم اعتراض قانونی ا متوجه
آقای بهرک کارمل است (علیه عدو و کلا) قانون اساسی خلاف قانون
اساسی تعرض کردن بیک حکومت و با ناقص تا توهم کردن خلاف تر آن

د اولسی جرگی د دیارلسمی دوری د دوهم کال لمړی فوق العاده جریده- درویشتمه گنه